

## به نام دانای توانا

فرایند یادگیری همواره برایم یکی از باشکوه‌ترین تجربه‌های زیستن بوده است. «یادگرفتن و یاددادن» را چنان در هم تنیده می‌بینم که نمی‌توانم بگویم در لحظه‌ای که درگیر این فرایند هستیم، در واقع درگیر کدام یک هستیم. سی سال است که این فرایند را در عرصهٔ کنکور هم تجربه کرده‌ام. در این عرصه، همیشه مایل بودم تجربه‌هایم را در زمینه‌ای که تخصص بیشتری دارم، با تو در میان بگذارم تا حاصل کار، رشد بیشتر هر دوی ما و رسیدن به نتیجهٔ مطلوب باشد.

یکی از این تجربه‌ها این است که هر چه قدر هم خوب و زیاد درس خوانده باشی، اگر نتوانی آموخته‌هایت را درست جمع‌بندی کنی، به نتیجهٔ دلخواهت نمی‌رسی. کتابی که در پیش‌رو دارید در این زمینه است: یک جمع‌بندی جامع تستی. تو، می‌توانی در طول سال از منابع مختلف درس را فراگرفته و تست زده باشی، ولی در نهایت نیاز داری روی مجموعه‌ای از تست‌ها که دقیقاً مبتنی بر الگوهای تستی کنکور سراسری و هم‌سطح آن باشد متمرکز شوی.

من و همکارانم، همهٔ تلاشمان را به کار برده‌ایم تا این منبع را در اختیارت قرار دهیم. کتاب، شامل ۱۰۰۰ تست، بر اساس نمونه سؤالات در کنکورهای سراسری به ویژه در سال‌های اخیر است. تست‌ها با حساسیت و دقت، طراحی و بازنگری شده‌اند و راهبردها به گونه‌ای تنظیم شده‌اند که اگر آنها را پشت سر هم مطالعه کنی، به یک جمع‌بندی جامع و همه‌جانبه از هر آنچه که لازم است برای پاسخ‌گویی به سؤالات کنکور سراسری، دست می‌یابی.

سپاسگزارم از:

دوستان و همکاران گرانقدرم در عرصهٔ آموزش، **آقایان دکتر سبطی و صادقیه**، و همهٔ دوستان عزیزی که در مراحل مختلف ما را یاری کردند؛ به ویژه **آقای نوری** و همکاران ایشان. زحمات اصلی طرح تست‌های کتاب را **آقای خالد مشیرپناهی** کشیده‌اند. تلاش، دقت و وسواس علمی ایشان ستودنی و قابل تقدیر است.

برای تو، که می‌خواهی در یکی از آزمون‌های سرنوشت‌ساز زندگی‌ات شرکت کنی و در این مسیر همهٔ تلاشت را به کار می‌گیری.

در این فاصله زمانی حساس تا کنکور چیزی که شاید بیشتر از برنامه‌ریزی اهمیت داشته باشد؛ یک «جمع‌بندی» دقیق و بررسی و تحلیل «آزمون‌های شبیه‌ساز کنکور» باشد؛ چرا که هر برنامه‌ریزی‌ای اگر جمع‌بندی نشود، هرگز به سرانجام نمی‌رسد. ما در این کتاب تمام سعی‌مان را کرده‌ایم تا بسته‌های تستی جمع‌وجور و مناسب، معرفی تیپ‌های تستی و ارائه روش حل برای هر کدام از تست‌ها و ارائه نکات مهم راهبردی و خط به خط مباحث ارائه کنیم و همه و همه با هدف شکل‌دادن به اطلاعات ذخیره‌شده از عربی در ذهن شما و تثبیت آنها نوشته شده‌اند.

درس عربی کنکور که شماره تست‌های ۲۶ تا ۵۰ دفترچه عمومی را شامل می‌شود؛ در کل از سه تیتراژ تشکیل شده است:

تیتراژ اول: تست‌های ترجمه (شماره تست‌های ۲۶ تا ۳۵ دفترچه عمومی): ۱۰ سؤال (۴۰٪)

تیتراژ دوم: تست‌های درک مطلب و سؤالات تجزیه و ترکیب فعل و اسم (شماره تست‌های ۳۶ تا ۴۲ دفترچه عمومی): ۷ سؤال (۲۸٪)

تیتراژ سوم: ضبط حرکت، واژگان و قواعد (شماره تست‌های ۴۳ تا ۵۰ دفترچه عمومی): ۸ سؤال (۳۲٪)  
ما نیز در این کتاب براساس همین سه تیتراژ کنکور، کل کتاب را در سه بخش تنظیم کرده‌ایم:  
بخش اول: ترجمه (۴۰۰ تست)

بخش دوم: درک مطلب + تجزیه و ترکیب (تحلیل و اعراب صرفی) (۲۸۰ تست)

بخش سوم: ضبط حرکت، واژگان و قواعد (۳۲۰ تست)

در بخش اول ۴۰ بسته ده‌تایی ترجمه (۴۰۰ تست) را تنظیم کرده‌ایم و در آنها به صورت منظم و دقیق تمامی نکات مهم هر سه پایه اعم از نکات کاربردی حل تست ترجمه، معنی واژگان مهم، معنی اصطلاحات پرتکرار... را آموزش داده‌ایم. در بخش دوم نیز ۴۰ بسته هفت‌تایی درک مطلب و تجزیه و ترکیب (۲۸۰ تست) را به صورت منظم و کاربردی و همراه ارائه نکات مهم و روش‌های حل هر کدام از تست‌ها تنظیم کرده‌ایم، و در بخش سوم نیز ۴۰ بسته هشت‌تایی ضبط حرکت، واژگان و قواعد (۳۲۰ تست) را با ارائه روش‌های حل تست، معرفی تیپ‌های تستی مختلف و نکات مهم و کاربردی طراحی کرده‌ایم. در هر بسته که طراحی شده سعی کرده‌ایم که بودجه‌بندی کنکور در هر یک از این بخش‌های سه‌گانه رعایت شود و هر بسته شامل نکات مهم و پر بودجه از هر سه پایه باشد؛ لذا در این فرصت باقیمانده سعی کنید هر هفته حداقل ۵ بسته (۵ بسته ترجمه، ۵ بسته درک مطلب و تجزیه و ترکیب و ۵ بسته ضبط حرکت، واژگان و قواعد) را به صورت منظم و دقیق و به ترتیب تحلیل و بررسی کنید و نکات مهم و راهبردهای حل هر کدام

تست‌ها را به خاطر بسپارید و آنها را خوب بخوانید و دست کم نگیرید تا از آنها سر جلسه کنکور نتیجه بگیرید. باز هم یادآوری می‌کنیم که بسته‌های هر بخش را به ترتیب بخوانید و آنها را بررسی کنید؛ زیرا نکات و راهبردهای ارائه شده در هر بسته به ترتیب نوشته شده‌اند و سعی شده که با ارائه بسته‌های تستی مختلف مطالب و نکات مهم به صورت منظم و دقیق و مرحله به مرحله آموزش داده می‌شود. و در آخر اینکه یادتان نرود که بعد از حل این هزار تست و مرور همه نکات راهبردی، کنکورهای ۹۹ آخر کتاب را نیز بررسی کنید که باز بتوانید مطالب و نکات مهم را مرور کنید. و اما در پایان بر خود لازم می‌دانیم که از **سرکار خانم سهیلا خاکباز** کمال تشکر را بکنیم که این فرصت را برای ما فراهم نمود تا بتوانیم چنین کتابی را بنویسیم. بدون تردید بدون همراهی ایشان و راهکارهای استادانه ایشان تألیف چنین کتابی ممکن نبود؛ از ایشان سپاسگزاریم و آرزوی بهترین‌ها را برای ایشان داریم. امیدواریم با خواندن این کتاب به نتیجه‌های خوبی دست پیدا کنید و به ما هم خبر دهید! پیروز و تندرست باشید...

## فهرست مطالب

بخش اول: ترجمه	۷
بخش دوم: درک مطلب، اعراب و تحلیل صرفی (تجزیه و ترکیب)	۲۵
بخش سوم: واژگان، قواعد و ضبط حرکات	۱۲۷
بخش چهارم: پاسخ نامه های تشریحی	۱۶۵
بخش پنجم: سوالات آزمون سراسری ۹۹	۳۴۷

هزارهست عیبی  
چند اولی

چند



## ■ بسته اول

### ۱. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾:

- ۱) ای کسانی که ایمان می آورید، چرا آنچه را که انجام نمی دهید، نگفتید!
- ۲) ای کسانی که ایمان آورده اید، برای چه می گوئید آنچه را که انجام نمی دهید!
- ۳) ای کسانی که ایمان آوردید، هرگز آنچه را که انجام نمی دهید، نگویید!
- ۴) ای کسانی که ایمان آورده اید، چرا می گوئید آنچه را که انجام نداده اید!

### ۲. «عندما رجع النَّاسُ إِلَى مَدِينَتِهِمْ وَفَتَحُوا بَابَ الْمَعْبَدِ شَاهِدُوا أَنَّ أَصْنَامَهُمْ قَدْ انْكَسَرَتْ!»:

- ۱) زمانی که مردم به شهر رفتند و در معبدشان را باز کردند، بت‌های شکسته‌شان را مشاهده کردند!
- ۲) وقتی که مردم به شهر خود بازگشتند و درب معبد را باز کردند، مشاهده کردند که بت‌هایشان را شکسته‌اند!
- ۳) هنگامی که مردم به شهرشان بازگشتند و درب پرستشگاه را گشودند، دیدند که بت‌هایشان شکسته شده است!
- ۴) هنگامی که مردم به شهر خویش رفتند و در پرستشگاه‌ها را گشودند، دیدند که بت‌هایشان شکسته شده است!

### ۳. «هذه الأشجار تنبت في فصل الزبيع تحت جذوة الشمس المُستعرة و ستخرجُ منها أثمارُ!»:

- ۱) این درختان در فصل بهار زیر پاره آتش خورشید فروزان رشد می کنند و میوه‌ها از آن‌ها خارج خواهد شد!
- ۲) در موسم بهار این درختان زیر پاره آتش فروزان خورشید می‌رویند و از آن‌ها میوه‌هایی بیرون خواهد آمد!
- ۳) در موسم بهار این درخت‌ها زیر پاره آتش فروزان خورشید می‌رویند و از آن‌ها میوه‌ها بیرون می‌آید!
- ۴) درختان در فصل بهار زیر پاره آتش خورشید فروزان رشد می کنند و میوه‌هایی از آن‌ها خارج خواهد شد!

### ۴. «كُنَّا نَجْمَعُ نَقُودَنَا لِنَشْتَرِيَ اللُّوْازِمَ الْمَدْرَسِيَّةَ لِلطَّلَابِ الْفُقَرَاءِ، لَيْتَ أَحَدًا لَا يَنْسِي هَذَا الْعَمَلُ!»:

- ۱) پول‌های خویش را جمع می کردیم تا برای دانش‌آموزان فقیر لوازم مدرسه بخریم، کاش کسی این کار را فراموش نکند!
- ۲) با پول‌هایی که جمع می کردیم برای دانش‌آموزان بینوا وسایل مدرسه می‌خریدیم، کاش کسی این کار ما را فراموش نکند!
- ۳) پول‌های خود را جمع می کنیم تا برای دانش‌آموزان فقرا لوازم مدرسه بخریم، امید است که کسی این کار را از یاد نبرد!
- ۴) پول‌هایمان را برای خرید وسایل مدرسه برای دانش‌آموزان فقیر جمع می کردیم، ای کاش کسی این کار را فراموش نمی‌کرد!

### ۵. «قُلْتُ لِأَخِي الْأَكْبَرِ: لَكَ زَمِيلٌ حَمِيمٌ أَيْمُنُ أَنْ تُعَرِّفَنِي عَلَى ذَلِكَ الزَّمِيلِ!؟»:

- ۱) به برادر بزرگم گفتم: تو یک همکلاسی صمیمی داری، آیا ممکن است که با این همکلاسی آشنا شوم؟!
- ۲) به برادر بزرگ‌تر خود گفتم: همکلاسی تو صمیمی است، آیا امکان دارد که من را با این همکلاسی آشنا کنی؟!
- ۳) به برادر بزرگ خود گفتم: تو دوستی صمیمی داری، آیا ممکن است که با آن دوست صمیمی آشنا شوم؟!
- ۴) به برادر بزرگ‌ترم گفتم: تو یک هم‌شاگردی صمیمی داری، آیا امکان دارد که من را با آن هم‌شاگردی آشنا کنی؟!

### ۶. «لَا يَجْرِي عَلَى لِسَانِ الْمَرْءِ عَادَةً إِلَّا مَا يَمُرُّ فِي قَلْبِهِ!»:

- ۱) بر قلب آدمی معمولاً جز چیزهایی که بر زبانش عبور می کند، جاری نمی‌شود!
- ۲) بر زبان انسان معمولاً فقط چیزی می‌گذرد که در قلبش جاری می‌شود!
- ۳) معمولاً بر زبان آدمی تنها آنچه که در دل وی می‌گذرد، جاری می‌شود!
- ۴) معمولاً جز آنچه که در دل انسان می‌گذرد بر زبانش جاری نمی‌شود!

### ۷. «حَاوِلِ الْأَعْدَاءَ أَنْ يَحْلُوَ الْعَقْدَةَ مِنْ لِسَانِ ذَلِكَ الشَّيْخِ بِوَأَسْطَةِ الضَّغْطِ وَ لَكِنْ شَاهِدُوا أَنَّهُ لَا يَسْتَلِيمُ أَبَدًا!»:

- ۱) دشمنان تلاش کردند که به کمک فشار گره از زبان آن پیرمرد باز کنند، ولی مشاهده کردند که وی هرگز تسلیم نمی‌شود!
- ۲) دشمنان سعی کردند که گره زبان آن پیرمرد را با وسیله‌های فشار باز کنند، ولی دیدند که او هرگز تسلیم نمی‌شود!
- ۳) دشمنان کوشیدند که به کمک تهدید گره را از زبان آن پیرمرد بکشایند، ولی دیدند که وی هرگز تسلیم‌شدنی نیست!
- ۴) دشمنان برای باز کردن گره از زبان آن پیرمرد به کمک فشار تلاش کردند، ولی مشاهده کردند که وی تسلیم نمی‌شود!



(ریاضی ۹۸)

۸. عَيْنِ الصَّحِيح:

- ۱) لیتنتی رأیت جمیع الكتب!؛ کاش همه کتاب‌ها را ببینم! (۲) لعل الخیر قد نزل علينا!؛ شاید خیر بر ما نازل شود!
- ۳) لیت الامتحان قد إنتهی!؛ کاش امتحان تمام شود! (۴) لعل الصبر يُنقذنا!؛ شاید پایداری نجاتمان دهد!

۹. عَيْنِ الصَّحِيح:

- ۱) إن تُخْرِجَ اسماً من حکم کَلِمَةٍ قبله یكون أسلوب الاستثناء!؛ اگر اسم را از حکمی کلمی قبل از آن خارج کنیم، اسلوب استثناء می‌باشد!
- ۲) إن أراد الإنسان أن یبني بیتاً لا عماد له، فعليه أن یدرس!؛ هرگاه انسان بخواهد خانه‌ای بسازد که هیچ ستونی ندارد، پس باید درس بخواند!
- ۳) الغصون النضرة تنمو من حبة صغيرة و تصیر أشجاراً خضراء!؛ شاخه‌های تر و تازه از دانه‌های کوچک می‌رویند و درختانی سبز می‌شوند!
- ۴) إشتري أبي أمس في السوق لأختي الصغرى سواراً من ذهب!؛ پدرم دیروز در بازار برای خواهر کوچکم دستبندی از جنس طلا خرید!

۱۰. «هرکس درباره چیزی که آن را نمی‌داند سؤال کند، خطایش کم می‌شود!»:

- ۱) الَّذِي يسأل عن شيء لا يعلمه يقل خطؤه!
- ۲) من يسأل عن شيء لا يعرفه تقل أخطاؤه!
- ۳) مَنْ سأل عن الشيء الَّذِي یجهله قل خطؤه!
- ۴) الَّتِي سألَت عن أشياء لا تعلمها قلت أخطاؤها!

۱	۱	۲	۳	۴	۳	۱	۲	۳	۴	۵	۱	۲	۳	۴	۷	۱	۲	۳	۴	۹	۱	۲	۳	۴
۲	۱	۲	۳	۴	۴	۱	۲	۳	۴	۶	۱	۲	۳	۴	۸	۱	۲	۳	۴	۱۰	۱	۲	۳	۴

■ بسته دوم

۱. ﴿لَا يَأْسُ مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ﴾:

- ۱) تنها قوم کافر از رحمت خداوند ناامید می‌شوند!
- ۲) تنها از رحمت خداوند قوم کافر ناامید می‌شوند!
- ۳) فقط قوم کافران از رحمت الهی ناامید خواهند شد!
- ۴) فقط گروه کافر از رحمت خداوند ناامید گشته است!

۲. «ليحصل المسلمون كلهم من جديد على فضلهم العلمي الذي قد فقدوه بالاتحاد والاجتهاد!»:

- ۱) مسلمان‌ها باید همگی از نوبا همبستگی و تلاش، برتری علمی خود را که آن را از دست داده‌اند، به دست بیاورند!
- ۲) همه مسلمان‌ها از نوبا همبستگی و کوشش، برتری علمی خویش را که آن را فراموش کرده‌اند، به دست می‌آورند!
- ۳) مسلمانان برای اینکه برتری علمی‌شان را که آن را از فراموش کرده‌اند از نوبا همبستگی و تلاش کنند!
- ۴) همه مسلمان‌ها از نوبا اتحاد و تلاش برای به دست آوردن برتری‌های علمی‌شان که آن را گم کرده‌اند، باید تلاش کنند!

(خارج انسانی ۹۸)

۳. «كان الطالب الناجح يخصصي أعماله لأصدقائه و هو يذكر مشاكل كان قد تخلص منها!»:

- ۱) دانش آموزی که موفق بود کارهای خویش را برای دوستانش می‌شمرد حال آنکه مشکلاتی را که از آن‌ها خلاص شده بود بیان می‌کرد!
- ۲) دانش آموز موفق کارهای خویش را برای دوستانش می‌شمرد در حالی که مشکلاتی را که از آن‌ها رهایی یافته بود بیان می‌کرد!
- ۳) دانش آموز موفق کارهای خویش را برای دوستانش می‌شمرد مشکلاتی را که از آن‌ها رهایی یافته بود بیان می‌کرد!
- ۴) دانش آموز موفق کارهای خویش را برای دوستانش شمرده مشکلات رها شده از آن‌ها را بیان کرده بود!



۴. «عليك أن تتعلم قواعد اللعب أولاً ثم عليك أن تتعلم كيف تلعب أفضل من الآخرين!»:
- تو باید در آغاز قواعد بازی را بدانی، سپس باید یاد بگیری که چگونه بهترین بازی را انجام دهی!
  - بر تو لازم است که ابتدا قواعد بازی را بیاموزی، سپس بدانی که چطور بهتر از دیگران بازی کنی!
  - تو باید ابتدا قواعد بازی را یاد بگیری، سپس باید بیاموزی که چگونه بهتر از دیگران بازی کنی!
  - تو باید در آغاز قواعد بازی را بشناسی، سپس بیاموزی که بهتر از دیگران بازی را انجام دهی!
۵. «الشجرة التي قد سموها بالخانقة تلتف حول جذع و أغصان شجرة أخرى ثم تخنقها تدريجياً!»:
- درختی که آن را خفه کننده نامیدند، دور تنه و شاخه‌های درختی دیگر می‌پیچد، سپس آن را به تدریج خفه می‌سازد!
  - درختی که خفه کننده نامیده شده است، اطراف تنه یا شاخه‌های درخت دیگر می‌پیچد و آن را به تدریج خفه می‌کند!
  - درختی که آن را خفه کننده نامیده‌اند، اطراف تنه یا شاخه‌های درخت دیگری پیچیده و به تدریج آن‌ها را خفه می‌کند!
  - درختی که خفه کننده نامیده شده است، دور تنه و شاخه‌های درخت دیگر می‌پیچد، سپس آن را به تدریج خفه می‌کند!
۶. «ليت الله يساعدا في أداء الواجبات التي لا طاقة لنا بها!»:
- امید است که خدا در انجام تکالیفی که هیچ توانی برای آن‌ها نداریم، کم‌کم کند!
  - کاش خدا در تکالیفی که برای انجام دادنشان هیچ توانی نداریم، به ما کمک می‌کرد!
  - شاید خداوند در انجام تکالیفی که هیچ توانی برای آن‌ها نیست، به ما کمک کند!
  - کاش خداوند در انجام تکالیفی که هیچ توانش را نداریم، به ما کمک کند!
۷. «أريد أن تبقى لدي وقتاً أكثر حتى نتحدث معاً حول كيفية تعلم اللغة العربية!»:
- می‌خواهم که وقت بیشتری نزدت بمانم تا با همدیگر پیرامون چگونگی آموزش زبان عربی حرف بزنیم!
  - می‌خواهم که زمان بیشتری پیش من بمانی تا با هم پیرامون چگونگی یادگیری زبان عربی صحبت کنیم!
  - می‌خواهم که زمان زیادی نزد من بمانی تا در مورد کیفیت یاددهی زبان عربی با همدیگر مباحثه کنیم!
  - می‌خواستم که وقت بیشتری پیش تو بمانم تا در مورد کیفیت فراگیری زبان عربی با تو صحبت کنیم!
۸. عین الصحیح:
- في المكتبة الإسلامية قد حُرم الاستهزاء بالآخرين!؛ در مکتب اسلام ریشخند کردن دیگران حرام شده است!
  - جرح الآخرين باللسان ليس أقل من جرح الحسام!؛ زخم زبان زدن به دیگران کمتر از زخم یک شمشیر نیست!
  - في الصباح ما أجمل سماع أصوات الطيور في الحديقة!؛ در صبح شنیدن نغمه‌های پرندگان در باغ زیباست!
  - هذا العام شراء الفواكه ليس ممكناً لأن قيمتها غالية!؛ امسال خرید میوه ممکن نیست؛ زیرا نرخ آن گران است!
۹. عین الخطأ:
- قد أصبحت اللغة العربية في عصرنا الحاضر لغة عالمية؛ زبان عربی در عصر کنونی ما، زبانی بین‌المللی شده است،
  - وقد حاول العلماء الإيرانيون كثيراً لمد هذه اللغة في العالم؛ و دانشمندان ایرانی زیادی برای گسترش این زبان در جهان تلاش کرده‌اند،
  - و أيضاً كثيراً من علماء إيران قد ألفوا كتباً عديدة بهذه اللغة؛ و نیز بسیاری از دانشمندان ایران کتاب‌های زیادی را به این زبان نگاشته‌اند،
  - و توجد المضامين المشتركة الكثيرة في أشعار شعراء إيران و العرب!؛ و مضمون‌های مشترک زیادی در اشعار شاعران ایران و عرب یافت می‌شود!
۱۰. «كاش همه شهرهای کشورم را می‌دیدم!»:
- لعلني أشاهد مدن بلادي جميعاً!
  - ليتني أنظر كل المدن في بلادي!
  - لعلني كنت أنظر مدن بلادي كلها!
  - ليتني كنت أشاهد جميع مدن بلادي!

(خارج عمومی ۹۸)

۱	۱	۲	۳	۴	۲	۱	۲	۳	۴	۵	۱	۲	۳	۴	۷	۱	۲	۳	۴	۹	۱	۲	۳	۴
۲	۱	۲	۳	۴	۴	۱	۲	۳	۴	۶	۱	۲	۳	۴	۸	۱	۲	۳	۴	۱۰	۱	۲	۳	۴





## پاسخنامه بخش نخست و ترجمه

### ■ بسته اول

۱. «آمنوا (ماضی): ایمان آوردید، ایمان آورده اید (رد ۱) / «لِمَ»: چرا، برای چه (رد ۳) / «تقولون»: می‌گویید (رد ۱ و ۳) / «لا تفعلون»: انجام نمی‌دهید (رد ۴) / در ۳ «هرگز» اضافی است.

#### راهنبرد:

- ۱- «فعل ماضی» هم به صورت «ماضی ساده» و هم به صورت «ماضی نقلی» ترجمه می‌شود.  
 ۲- «لِمَ» (چرا، برای چه): را با حرف «لَمْ» که معنی «فعل مضارع» را به «ماضی ساده منفی» یا «ماضی نقلی منفی» تبدیل می‌کند، اشتباه نگیرید.

۲. «رجع»: بازگشتند، برگشتند (رد ۱ و ۴) / «مدینتھم»: شهرشان، شهر خود (رد ۱) / «باب المعبد»: درب معبد، پرستشگاه، عبادتگاه (رد ۱ و ۴) / «شاهدوا أن»: دیدند که، مشاهده کردند که (رد ۱) / «أصنامهم قد إنکسرت»: بت‌هایشان شکسته شده است (رد ۱ و ۲)

**راهنبرد:** برخی فعل‌های معلوم هستند که با «شد، می‌شود» ترجمه می‌شوند، لذا همیشه «شد، می‌شود» دلیل بر مجهول بودن فعل نیست. مثال: «دَخَلَ»: وارد شد، «يَخْرُجُ»: خارج می‌شود، «اَيْتَدَأُ»: شروع شد، «اِنْكَسَرُ»: شکسته شد، «يَبْفُتِحُ»: باز می‌شود...

۳. «هذه الأشجار»: این درختان (رد ۴) / «تنبت»: می‌رویند (رد ۱ و ۴) / «جذوة الشمس المستعرة» (ترکیب اضافی وصفی): «پاره آتش فروزان خورشید (رد ۱ و ۴) / «ستخرج (مستقبل):» خارج خواهد شد، بیرون خواهد آمد (رد ۳) / «أثماژ (جمع و نکره):» میوه‌هایی (رد ۱ و ۳)

**راهنبرد:** اشتباه نکنید: «نَمَا يَنْمُو»: رشد کرد، رشد می‌کند / «تَبَّتْ يَنْبُتُ»: روئید، می‌روید / «اَنْتَبْتُ يَنْبُتُ (باب افعال):» روئاند، می‌روئاند

۴. «كنا نجمع (ماضی استمراری):» جمع می‌کردیم (رد ۳) / «نقودنا»: پول‌های خویش، پول‌هایمان (رد ۲) / «لنشتری»: تا (برای اینکه)... بخیریم (رد ۱ و ۲) / «الطلاب الفقراء» (ترکیب وصفی): دانش‌آموزان فقیر، بینوا (رد ۳)؛ «صفت» به صورت مفرد ترجمه می‌شود. / «لیت»: کاش، ای کاش (رد ۳) / «لا ینسی (مضارع التزامی):» فراموش نکند، از یاد نبرد (رد ۴) / «هذا العمل»: این کار (رد ۲)

۵. «أخي الأكبر»: برادر بزرگ‌ترم (رد ۱ و ۳) / «لك زميل حميم»: تویک هم‌شاگردی (هم‌کلاسی) صمیمی داری (رد ۲) / «أن تُعرفني علی...»: که من را با... آشنا کنی (رد ۱ و ۳)؛ فعل «عَرَفَ (باب تفعیل)» وقتی با حرف «علی» به کار می‌رود؛ به معنی «با... آشنا کرد» و «به... معرفی کرد» است. / «ذلك الزميل»: آن هم‌شاگردی، آن هم‌کلاسی (رد ۱ و ۲)

**راهنبرد:** ترجمه دو وزن «أفعل (اسم تفضیل)» و «فَعِيل» را با هم اشتباه نگیرید. مثال: «كبير»: بزرگ، «أكبر»: بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین / «صغير»: کوچک، «أصغر»: کوچک‌تر، کوچک‌ترین...

۶. «لا یجری... إلا ما... (اسلوب حصر):» جاری نمی‌شود... جز آنچه که، تنها (فقط) آنچه که... جاری می‌شود (رد ۱ و ۲)؛ «چیزهایی که» ترجمه صحیحی برای «ما» نیست. / «علی لسان المرء»: بر زبان آدمی (انسان) (رد ۱ و ۴) / «یمز فی قلبه»: در دلش (قلبش) می‌گذرد، عبور می‌کند (رد ۲ و ۴)

۷. «أن یحلوا»: باز کنند، بگشایند (رد ۴) / «العقدة من لسان ذلك الشیخ»: گره از زبان آن پیرمرد (رد ۲) / «بواسطة الصَّغَط»: به وسیله (به کمک، به واسطه) فشار (رد ۲ و ۳) / «لا یستسلم»: تسلیم نمی‌شود (رد ۳) / «أبدأ»: هرگز (در ۴ ترجمه نشده است).



**راهبرد:** در تست‌های ترجمه کلمات ساده‌ای مانند «أبدأ»، «أيضاً»، «أو، أم»، «بين»... نیز می‌توانند رد گزینه کنند؛ لذا موقع حل تست‌ها به سادگی از کنار این کلمات نگذرید.

۸. **بررسی گزینه‌های نادرست:**

- (۱) «لینتی رأیت» یعنی «می‌دیدم» یا «دیدم بودم» (۲) «لعل... قد نزل» یعنی «نازل شده باشد»  
 (۲) «لیت... قد انتهی» یعنی «تمام می‌شد» یا «تمام شده بود»

**راهبرد:** «فعل مضارع» پس از «لعل» و «لیت» به صورت «مضارع التزامی» ترجمه می‌شود، اما «فعل ماضی» بعد از «لعل» و «لیت» به صورت «مضارع التزامی» ترجمه نمی‌شود؛ بلکه پس از «لعل» به صورت «ماضی التزامی» و بعد از «لیت» به صورت «ماضی استمراری» یا «ماضی بعید» ترجمه می‌شود.

۹. **بررسی گزینه‌های نادرست:**

- (۱) «اسماً» نکره است و باید به صورت «اسمی، یک اسم» ترجمه شود.  
 (۲) «إنْ (ادات شرط)» به معنی «اگر، چنانچه» است نه «هرگاه».  
 (۳) «تَمَوَّ» یعنی «رشد می‌کنند». «حَبَّةٌ صَغِيرَةٌ (نکره)» یعنی «دانه کوچکی، دانه‌ای کوچک، یک دانه کوچک»  
 ۱۰. «هرکس (ادات شرط)»: «مَنْ (رد ۱ و ۴) / «درباره چیزی که»: «عَنْ شَيْءٍ، عَنِ الشَّيْءِ الَّذِي (رد ۴) / «سؤال کند (فعل شرط)»: «سَأَلَ، يَسْأَلُ (فعل شرط)» به صورت «مضارع التزامی» ترجمه می‌شود. «يسأل» در ۱ به معنی «می‌پرسد» و «سأل» در ۴ به معنی «پرسید» هستند. / «آن را نمی‌داند»: «يَجْهَلُهُ، لَا يَعْلَمُهُ، لَا تَعْرِفُهُ / «خطایش (مفرد)»: «خَطُوهُ (رد ۴ و ۲) / «کم می‌شود (جواب شرط)»: «قَلَّ، يَقَلُّ، تَقَلَّ (جواب شرط)» به صورت «مضارع اخباری» ترجمه می‌شود. «قَلَّتْ» در ۴ یعنی «کم شد»

**راهبرد:** «الَّذِي» و «الَّتِي» در ابتدای جمله‌ها به معنی «کسی که» می‌باشند.

■ **بسته دوم**

۱. «لَا يَبِئْسُ... إِلَّا (اسلوب حصر)»: «به جز... ناامید نمی‌شوند، فقط (تنها)... ناامید می‌شوند (رد ۳ و ۴) / «من روح الله»: از رحمت خداوند (رد ۳) / «القوم الكافرون (ترکیب وصفی)»: فقط (تنها) قوم (گروه) کافر (رد ۲ و ۳): «صفت» همیشه به صورت «مفرد» ترجمه می‌شود.

**راهبرد:** «اسلوب حصر» می‌تواند هم به صورت «منفی» و هم همراه لفظ «فقط، تنها» و فعل مثبت ترجمه شود. آیه داده شده در این تست «اسلوب حصر» است که هم می‌توان گفت: «از رحمت خدا جز قوم کافر (کسی) ناامید نمی‌شود.» و هم می‌توان گفت: «تنها (فقط) قوم کافر از رحمت خدا ناامید می‌شوند.» «دَقَّتْ كَنبِدَ كَه لَفْظٍ «فقط، تنها» باید همراه «مستثنی (القوم)» بیاید و جایز نشود. در ۲ «تنها از رحمت...» نادرست و «فقط (تنها) قوم...» درست است.

۲. «لِيَحْصِلَ... عَلَيَّ... (امر)»: «باید... به دست بیاورند (رد سایر گزینه‌ها) / «المسلمون كلهم»: مسلمانان همگی (در ۳ ترجمه نشده است. «همه مسلمان‌ها» در ۲ و ۴ ترجمه دقیقی نیست، زیرا «كُلُّ المسلمون» یعنی «همه (تمام) مسلمانان») / «فضلهم العلمي»: برتری علمی خود (رد ۴) / «قد فقدوه»: آن را از دست داده‌اند، آن را گم کرده‌اند (رد ۲ و ۳) / «بالاتحاد و الاجتهاد»: با همبستگی (اتحاد) و کوشش (رد ۳ و ۴)

**راهبرد:** «لام امر» + «مضارع» به صورت «باید + مضارع التزامی» ترجمه می‌شود. مثال: «لِيَحْصِلَ... عَلَيَّ...»: «باید... به دست بیاورند، «لِيَتَكَلَّمْ»: «باید صحبت کنیم، «لِيَسْتَمِعْ إِلَى...»: «باید به... گوش دهیم...»



۳. «الطَّالِبُ النَّاجِحُ (معرفة)»: دانش‌آموز موفق (رد ۱ و ۳) / «كَانَ... يُحْصِي (ماضی استمراری)»: می‌شمرد (رد ۴) / «و هو يذکر (جملة حالیه)»: در حالی که ذکر می‌کرد، بیان می‌کرد (رد ۳ و ۴ «در حالی که» نیامده، «بیان کرده بود» در ۴ نادرست است.) / «كَانَ قَدْ تَخَلَّصَ (ماضی بعید)»: رهایی (خلاص) یافته بود (رد ۴)

**راهبرد:** جمله‌های حالیه که اغلب به صورت «و + ضمیر + اسم (فعل)» هستند، باید به صورت «در حالی که، حال آنکه» ترجمه شوند. در همین تست «و هو يذکر» جمله حالیه است که تنها در ۱ و ۳ ترجمه شده است.

۴. «عَلَيْكَ أَنْ تَتَعَلَّمَ»: تو باید (بر تو لازم است که) یاد بگیری، بیاموزی (رد ۱ و ۴) / «عَلَيْكَ أَنْ تَتَعَلَّمَ»: باید یاد بگیری، بیاموزی (رد ۲) / «كَيْفَ تَلْعَبُ أَفْضَلَ مِنَ الْآخِرِينَ»: چگونه (چطور) بهتر از دیگران بازی کنی (رد ۱ و ۴) / در ۴ «كَيْفَ» ترجمه نشده است.

**راهبرد:** اشتباه نکنید: «عَلِمَ»: دانست، «تَعَلَّمَ»: می‌داند، «إِعْلَمَ»: بدان، «عَلَّمَ (باب تفعیل)»: یاد (آموزش) داد، «يُعَلِّمُ»: یاد (آموزش) می‌دهد، «عَلَّمَ»: یاد (آموزش) بده، «تَعَلَّمَ»: یاد دادن، یاددهی، آموزش / «تَعَلَّمَ (باب تفعّل)»: یاد گرفت، «يَتَعَلَّمُ»: یاد می‌گیرد، «تَعَلَّمَ»: یاد بگیر، «تَعَلَّمَ»: یادگیری، فراگیری

۵. «قَدْ سَمَوْهَا بِالْحَانِقَةِ»: آن را خفه‌کننده نامیده‌اند (رد ۲ و ۴) / «تَلْتَفَّ»: می‌پیچد (رد ۳) / «جذع وأغصان شجرة أخرى (نكرة)»: تنه و شاخه‌های درختی دیگر («یا») در ۲ و ۳ نادرست است. «درخت دیگر» در ۲ و ۴ نادرست است، زیرا «شجرة أخرى» ترکیب وصفی نكرة است. / «ثُمَّ»: سپس (در ۲ و ۳ به اشتباه به صورت «و» ترجمه شده است.)

**راهبرد:** ترجمه کردن «و» به صورت «یا» نادرست است. «أَوْ» و «أَمْ» به معنی «یا» هستند.

۶. «لَبِيتَ»: کاش، ای کاش (رد ۱ و ۳) / «يُسَاعِدُنَا (مضارع التزامی)»: به ما کمک کند، کمکمان کند (رد ۲) / «فِي أَدَاءِ الْوَاجِبَاتِ الَّتِي»: در انجام تکالیفی که (رد ۲) / «لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ»: هیچ توانش را نداریم، هیچ توانی برای آن‌ها نداریم (در ۲ و ۳ به ترتیب «بها» و «لنا» ترجمه نشده‌اند.)

۷. «أَرِيدُ»: می‌خواهم (رد ۴) / «أَنْ تَبْقَى لَدِيَّ»: که نزد من (پیش من) بمانی (رد ۱ و ۴) / «وَقْتًا أَكْثَرَ (نكرة)»: زمان بیشتری، زمانی بیشتر (رد ۳) / «وَقْتًا كَثِيرًا» یعنی «زمان زیادی» / «حَتَّى نَتَحَدَّثَ مَعًا»: تا با هم (با همدیگر) صحبت کنیم (رد ۳) / «تَعَلَّمَ»: یادگیری، فراگیری (رد ۱ و ۳) / «تَعَلَّمَ»: یعنی «آموزش، یاددهی»

**راهبرد:** اسم‌های تفضیل در ترجمه به «تر، ترین» نیاز دارند. «وَقْتًا أَكْثَرَ»: زمان بیشتری ✓ زمان زیادی ✗

۸. **بررسی گزینه‌های نادرست:**

۲) «الحسام (معرفة)» یعنی «شمشیر» (۳) «مَا أَجْمَلُ» یعنی «چه زیباست!» (۴) «الْفَوَاكِهِ (جمع)» یعنی «میوه‌ها»

**راهبرد:** وزن و ساختار «مَا أَفْعَلُ» برای بیان تعجب به کار می‌رود. مثال: «مَا أَجْمَلُ الطَّبِيعَةَ!»: طبیعت چه زیباست!، «مَا أَكْثَرَ آيَاتِ اللَّهِ عَلَى الْأَرْضِ!»: نشانه‌های خدا بر روی زمین چه زیاد است!...

۹. در (۲) «كَثِيرًا» صفت نیست؛ لذا «زیادی» نادرست است. ترجمه صحیح: «و دانشمندان ایرانی برای گسترش این زبان در جهان بسیار (زیاد) تلاش کرده‌اند،»

**راهبرد:** اشتباه نکنید: «الشُّعْرَاءُ الْإِيرَانِيُّونَ (وصفی)»: شاعران ایرانی / «شعراء إيران (اضافی)»: شاعران ایران

۱۰. «كاش»: لَبِيتَ (رد ۱ و ۳) / «همه شهرهای کشورم»: جميع مدن بلادی (رد سایر گزینه‌ها) / «می‌دیدم (ماضی استمراری)»: كُنْتُ أَشْهَدُ، كُنْتُ أَنْظُرُ (رد ۱ و ۲)؛ «أشاهد» و «أنظر» در ۱ و ۲ به صورت «مضارع التزامی» یعنی «ببینم» ترجمه می‌شوند و نادرست هستند.

جنتی عرفہ

ہزارہائے  
عربی

دُرِّكَ مَطْلَبِ اِعْرَابِ  
وَخَلِيْقِ اَصْرِفِي (تجزیہ و ترکیب)



## ■ بستۀ بیست و سوم

(زبان ۹۵ با تغییر)

○ اقرأ النَّصَّ التَّالِيَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ بِمَا يَنَاسِبُ النَّصَّ:

«تمتلئ قصص الأطفال القديمة بالحوادث التي يكون الذئب أحد أبطالها. وقد أصبح الإنسان والذئب عدوين يبغض الواحد الآخر. وأما من مميزات الذئب فسرعته في الحركة، فالغزال على الرغم من سرعته الفائقة لكنه يُدركه التعب، وأما الذئب فيحافظ على معدّل سرعته دون تعب، ممّا يمكنه القبض عليه!

الذئب يمتاز بقوة خارقة أخرى حيث يستطيع رفع حيوان كبير وحملة مسافة بعيدة. تعيش الذئاب فرداً أو أزواجاً داخل الغابات أو المناطق الجبلية وتتجمّع فقط خلال الشتاء تبحث عن غذائها. وكلّما اشتدّ البرد تصبح الذئاب أكثر خطراً وجرأة!

تنام الذئاب نهاراً وتخرج للصيد ليلاً. وحين تصل إلى آخر الشتاء تبحث أنثى الذئب عن مكان مناسب لولادة صغارها. فالصغار في الأيام الأولى غير قادرة على الرؤية فالأم تحرسهم، ولكن بعد زمن يعتمدون على أنفسهم!»

۱. متى تشعر أنثى الذئب بولادة صغارها؟

(۱) حين يشتدّ البرد! (۲) عندما ينزل المطر! (۳) عندما يقرب الربيع! (۴) في بداية الصيف!

۲. عيّن الخطأ:

(۱) عندما تشرق الشمس فالذئب في النوم!

(۲) يبحث الذئب عن طعامه في الأوقات المظلمة!

(۳) إمكان وجود الذئب في مناطق فيها جبل، ليس بعيداً!

(۴) تُحوّل الأم مسؤوليّة الحياة من البداية على الأولاد أنفسهم!

۳. عيّن الخطأ في توصيف الذئب:

(۱) سرعته أقل من الغزال! (۲) قويّ الجثّة ويعيش وحيداً بعض الأحيان!

(۳) خطره في الصيف أقل! (۴) لا يعيش بين الأشجار أبداً!

۴. عيّن الصحيح: النَّصُّ لم يتكلّم في موضوع ولادة الأولاد عن...

(۱) عدد الأولاد! (۲) كيفية المراقبة! (۳) حالة الأولاد! (۴) مكان الولادة!

○ عيّن الصحيح في الإعراب و التحليل الصرفي:

۵. «يُدرك»:

(۱) للغائب - ثلاثي مزيد (من مصدر «إدراك») / فعلٌ و فاعله ضمير «هـ» و الجملة فعلية

(۲) مضارع - ثلاثي مزيد (من باب «إفعال») - معلوم / فعلٌ و فاعله «التعب» و الجملة فعلية

(۳) فعل مضارع - للغائب - له حرف زائد - مجهول / فعلٌ و مع فاعله «التعب» جملة فعلية

(۴) صيغته للمفرد المذكّر الغائب - ثلاثي مجرد - معلوم / فعلٌ و مفعوله ضمير «هـ» المتصل

۶. «تحرس»:

(۱) للمفرد المؤنث الغائب - ثلاثي مجرد - معلوم / فعلٌ و فاعله ضمير «هم» المتصل

(۲) مضارع - دون حرف زائد و حرف السّين من حروفه الأصلية - ليس له مفعول (= مفعول به)

(۳) للغائبة - دون حرف زائد (= ثلاثي مجرد) - معلوم / فعلٌ و مع فاعله خبر للمبتدأ «الأم»

(۴) فعل مضارع - للمخاطب - حروفه الأصلية ثلاثة و ليس له حرف زائد / فعلٌ و جملته فعلية



## ۷. «مناسب»:

- ۱) اسم - مفرد - مذکر - اسم المفعول (من باب «مفاعلة») - نكرة / صفة أو نعت
- ۲) مفرد مذکر - اسم الفاعل (من باب «مفاعلة») - نكرة / مضاف إليه للمضاف «مكان»
- ۳) مفرد مؤنث - اسم الفاعل (من فعل «يُناسب») - نكرة / صفة للموصوف «مكان»
- ۴) اسم - مذکر - اسم المفعول (من مصدر «مناسبة») / مضاف إليه للمضاف «مكان»

۱	۱	۲	۳	۴	۳	۱	۲	۳	۴	۵	۱	۲	۳	۴	۷	۱	۲	۳	۴	۹	۱	۲	۳	۴
۲	۱	۲	۳	۴	۴	۱	۲	۳	۴	۶	۱	۲	۳	۴	۸	۱	۲	۳	۴	۱۰	۱	۲	۳	۴

## ■ بسته بیست و چهارم

(خارج از کشور ۹۵ با تغییر)

○ اقرأ النَّصَّ التَّالِيَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ بِمَا يَنَابِسُ النَّصَّ:

«تتشترك الكائنات الحيّة بخصائص ثلاث: أولها التَّنَفُّسُ و ثانيها حوائجها الغريزيّة كالعطش، و أخيراً استمرار نموّها إلى نهاية حياتها. و كلّ ما لا يتنصّف بهذه الصّفات الثلاث لا يُعتبر موجوداً حياً! ولكن لا يمنع هذا أن تكون لكلّ كائن متطلّباته الخاصّة؛ فنشاهد أنّ البعض يعيش في الماء و البعض الآخر يعيش خارج الماء على اليابسة؛ بعض أنواع الحياة تحتاج إلى البرودة و بعضها الآخر إلى الحرارة، قسم من المخلوقات يتغذّى بالأعشاب و بعض آخر بالحيوانات و الثّالث يأكل من جميعها! بعض الحيوانات يعيش عدّة ساعات و الآخر عدّة سنوات. الأشجار تعيش أكثر من أيّ شيء آخر، و الإنسان في هذا المجال و بفضل التّقدمات الطّبيّة و العنايةات الصّحيّة يعيش الآن أكثر بكثير بالنّسبة إلى الماضي!»

۱. عَيْنُ الْخَطَأِ لِلْفَرَاغِ: كَلِّمْ مَوْجُودَ لَا يَشْعُرُ فِي وُجُودِهِ.....، فَلَيْسَ كَانْتًا حَيًّا!

- ۱) الرّشد! ۲) الجوع! ۳) استمرار النّموا! ۴) مقدار عمره!

۲. عَيْنُ الصّحِيحِ لِلْفَرَاغِ: لَيْسَ .... جِزْءًا مِنْ خِصَائِصِ الْكَائِنِ الْحَيِّ الْمَشْتَرِكَةِ!

- ۱) مكان العيش! ۲) الموت و الحياة! ۳) الاحتياج إلى الطّعام! ۴) الاحتياج إلى الهواء!

۳. عَيْنُ الْخَطَأِ:

- ۱) عمر الحيوانات لا يُساوي عمر التّباتات!
- ۲) أقلّ زمن يعيش الموجود الحيّ هو يوم واحد!
- ۳) العنايةات الصّحيّة و الالتزام بها تسبّب أن يعيش الموجود أكثر!
- ۴) وجود البداية و النّهاية في الحياة من الصّفات المشتركة بين الموجودات!

۴. عَيْنُ الْخَطَأِ: الْمَوَاضِعُ الَّتِي جَاءَتْ فِي النَّصِّ عَلَى التَّرْتِيبِ هِيَ...

- ۱) الحاجات الغريزيّة، عمر الأعشاب، عمر الإنسان ۲) الحياة في الماء، عمر الأشجار، الأمور الصّحيّة  
۳) التّكامل، التّغذية، البرودة و الحرارة عند الحيوانات ۴) الصّفات المشتركة، الصّفات الخاصّة، عمر الموجودات

○ عَيْنُ الصّحِيحِ فِي الْإِعْرَابِ وَ التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ:

۵. «تتشترك»:

- ۱) فعل مضارع - له حرف زائد (من مصدر «اشترك») - معلوم / فعّل و فاعله «الكائنات» و هو موصوف
- ۲) للمخاطب - له ثلاثة حروف أصلية و حرفان زائدان - ليس له مفعول / فعّل و مع فاعله جملة فعلية
- ۳) للمفرد المؤنث الغائب - ثلاثي مزيد (من باب «انفعال») / فعّل و مع فاعله «الكائنات» جملة فعلية
- ۴) مضارع - ثلاثي مزيد (مادته الأصلية «ش، ر، ك») - معلوم / فعل و فاعله «الكائنات» و هو موصوف



۶. «یَمْنَعُ»:

- ۱) فعل مضارع للثَمَنِي - للغائب - له حرف زائد - معلوم / فعل و مع فاعله جملة فعلية
- ۲) مضارع للثَمَنِي - للغائب - ليس له حرف زائد - معلوم / فعل و فاعله «هذا» و الجملة فعلية
- ۳) مضارع للثَمَنِي - ثلاثي مجرد - ليس له مفعول / فعل و فاعله ليس محذوفاً و الجملة فعلية
- ۴) فعل مضارع - للغائب - مجرد ثلاثي - معلوم / فعل و مع مفعوله «هذا» جملة فعلية

۷. «المخلوقات»:

- ۱) اسم - جمع سالم - اسم المفعول من الفعل المجزء - معزف بأل / مجرور بحرف الجر
- ۲) اسم - جمع سالم للمؤنث - اسم المفعول من الفعل المزيد - معرفة / مجرور بحرف الجر
- ۳) اسم - جمع سالم للمؤنث - اسم المفعول من مادة «خ، ل، ق» / خبر للمبتدأ «قسم»
- ۴) جمع سالم - اسم المفعول - معرفة (علم) / «من المخلوقات» جاز و مجرور؛ خبر للمبتدأ «قسم»

۱	۱	۲	۳	۴	۳	۱	۲	۳	۴	۵	۱	۲	۳	۴	۷	۱	۲	۳	۴	۹	۱	۲	۳	۴
۲	۱	۲	۳	۴	۴	۱	۲	۳	۴	۶	۱	۲	۳	۴	۸	۱	۲	۳	۴	۱۰	۱	۲	۳	۴

■ بسته بیست و پنج

(رياضی ۹۴ با تغییر)

○ اقرأ النَّصَّ التَّالِيَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ بِمَا يَنَاسِبُ النَّصَّ:

«إِنَّ الْفَيْلَ بِخَرْطُومِهِ يَتَنَاوَلُ أَغْصَانِ الْأَشْجَارِ بِسَهْوَةٍ، وَ الْخَرْطُومُ عَضْوٌ خَاصٌّ يَتَأَلَّفُ مِنَ الْأَنْفِ وَالْفَمِّ. يَقُولُونَ إِنَّ الْفَيْلَ يَسْتَطِيعُ أَنْ يَأْخُذَ بِخَرْطُومِهِ حَبَّةَ السُّكَّرِ مِنْ يَدِ الطِّفْلِ! إِنَّهُ أَدَاةُ اللَّمَسِ وَالشَّرْبِ وَالتَّنْظِيفِ وَالْحَمْلِ وَالمَعْرَكَةِ! الْفَيْلُ حَيْوَانٌ حَذِرٌ لَا يَقَعُ أَبَدًا فِي فَخِّ الصَّيَّادِ بِنَفْسِهِ وَ لَا يَرْتَكِبُ خَطَأً ارْتَكَبَهُ مَرَّةً وَرَأَى نَتَائِجَهُ...! فَإِذَا وَقَعَ يَوْمًا فِي حَفْرَةٍ فَإِنَّهُ لَا يَمِزُّ بِذَلِكَ الطَّرِيقِ طُولَ حَيَاتِهِ. الْفَيْلُ يَحَافِظُ عَلَى صِغَارِهِ وَ يُوَاطِبُ عَلَيْهَا فِي جَوْ عَائِلِيٍّ حَارٍّ! وَهَبَ اللَّهُ الْفَيْلَ أَنْبَابًا لِلدَّفَاعِ عَنِ نَفْسِهِ لَكِنَّهَا أَصْبَحَتْ وَبَالَأَ عَلَيْهِ حِينَ يَطْمَعُ الصَّيَّادُونَ بِهَا لِيَبِيعُوهَا وَ يَحْصُلُوا عَلَى أَمْوَالٍ وَ نَقُودٍ! الْفَيْلُ لَا يَصِيدُ الْحَيَوَانَاتِ فَهُوَ حَيْوَانٌ يَعِيشُ عَلَى أَكْلِ النَّبَاتَاتِ. إِنَّهُ يَقْضِي ١٦ سَاعَةً فِي الْبَحْثِ عَنِ غِذَائِهِ وَ لَا يَنَامُ إِلَّا ثَلَاثَ أَوْ أَرْبَعِ سَاعَاتٍ، وَ وَزَنَهُ يَصِلُ إِلَى سِتَّةِ أَطْنَانٍ وَ يَعْمُرُ حَتَّى ٧٠ سَنَةً!»

۱. إملأ الفراغ: من صفات الفيل العجيبة...

- ۱) أنه لا يأكل لحم الحيوانات
- ۲) وجود أنياب له يدافع بها عن نفسه!
- ۳) أنه لا يرتكب خطأً واحداً مرتين!
- ۴) وجود خرطوم له يشرب و يتناول به!

۲. إملأ الفراغ: على خلاف بقية الحيوانات...

- ۱) الفيل لا يعمر مثل الإنسان!
- ۲) يستطيع الفيل أن يأكل النباتات!
- ۳) يواظب الفيل على صغاره و يهتم بها كثيراً!
- ۴) للفيل وسيلة واحدة للشرب و الشم و الحمل و الحرب!

۳. متى لا يُكزِّر الفيل خطأه:

- ۱) إذا عمل عملاً مرتين! ۲) حين وقع في حفرة! ۳) إذا وقع في فخ صياد! ۴) حين رأى نتيجة خطأه!

۴. عيِّن الصحيح:

- ۱) إِنَّ الْفَيْلَ يَشَابَهُ الْإِنْسَانَ فِي مِقْدَارِ نَوْمِهِ وَ عَمَلِهِ!
- ۲) وَهَبَ اللَّهُ الْأَنْبِيَاءَ لِلْفَيْلِ حَتَّى يَصْبِحَ طَمَعُ نَظَرِ الصَّيَّادِينَ!
- ۳) يَرَى الْفَيْلُ الْأَشْيَاءَ بِدَقَّةٍ وَ يَقْدِرُ أَنْ يَأْخُذَهَا وَ لَوْ كَانَتْ صَغِيرَةً!
- ۴) لَا يَبْحَثُ الْفَيْلُ عَنِ غِذَائِهِ كَثِيرًا فَلِهَذَا يَأْكُلُ النَّبَاتَاتِ وَ أَوْرَاقَ الْأَشْجَارِ!



۳. ۹۳۲ موضوعاتی که در متن آمده‌اند به ترتیب عبارت‌اند از...

- ۱) نبود اقدامات لازم، شیوع شکار و خرید و فروش، عرضه حیوانات در باغ وحش‌ها
- ۲) کاهش ارتباط میان انسان و طبیعت، احساس خطر، برخی اقدامات مخرب و خطرناک
- ۳) ارتباط میان انسان و طبیعت، دلایل ایجاد مشکلات، برخورد دولت‌ها
- ۴) انسان و مشکلات طبیعت، انجمن‌های مردمی، تخریب طبیعت به دست انسان

۴. ۹۴ موضوعی که در متن نیامده است، چیست؟

- ۱) نتیجه اقداماتی که برخی از حکومت‌ها در مقابل رفتارهای انسان به کار گرفته‌اند!
- ۲) آوردن برخی مصداق‌ها برای سرانجام کارهای انسان!
- ۳) دلایل شکار حیوانات!
- ۴) بیان راه‌هایی برای جلوگیری از آنچه از دست رفته است!

۵. ۹۵ خطاهای سایر گزینه‌ها:

- ۲) من باب «تفعیل» ← من باب «إفعال» [«أحسّت» ماضی باب «إفعال» است: أَحَسَّ يُحَسُّ أَحْسًا [إحساس]
- ۳) مضارع ← ماضی / للمتكلم وحده ← للغائبه [«أحسّت» ماضی صیغه «مفرد مؤنث غایب (هی)» است.]
- ۴) مفعوله «بعض» ← فاعله «بعض» [«بعض» فاعل «أحسّت» و «الحکومات» مضاف الیه است.]

**راهنبرد:** ۱- فعل‌هایی که آخر آن‌ها «ت» دارد، اکثر فعل ماضی هستند. مثال: أَحَسَّتْ، تَعَوَّدَتْ، أُجْرِتْ، تَزَيَّنَتْ، تَعَامَلَتْ، تَظَاهَرَتْ، تَبَيَّنَتْ، ... («أَحَسَّ يُحَسُّ / أَحَبَّ يُحِبُّ / أَعَدَّ يُعِدُّ» ثلاثی مزید باب «إفعال» هستند.)

۶. ۹۶ خطاهای سایر گزینه‌ها:

- ۱) مجهول ← معلوم [آمدن «مجهول» و «مفعول» با هم در یک گزینه اشتباه است.]
- ۲) فاعله «المجتمع» ← مفعوله «المجتمع» [«المجتمع» مفعول «يُهدّد» و «الإنساني» صفت آن است.]
- ۴) فاعله محذوف ← فاعله مذکور [«يُهدّد» مضارع معلوم است و فاعل آن حذف نشده است.]

۷. ۹۷ خطاهای سایر گزینه‌ها:

- ۱) صفة ← مفعول (= مفعول به) لفعّل [«يفقد» «واحداً» مفعول فعل «يفقد» است. «يوم» مضاف الیه برای «كُلّ» است.]
- ۲) معدوده «يوم» ← معدوده محذوف / صفة ← مفعول (= مفعول به) لفعّل [«يفقد» «يوم» معدود «واحداً» نیست، و معدود آن محذوف است.]
- ۴) من الأعداد الترتيبية ← من الأعداد الأصلية

## ■ بسته بیست و سوم

**ترجمه متن:** «داستان‌های قدیمی کودکان مملو از حوادثی است که گرگ یکی از قهرمان‌های آن‌ها است. انسان و گرگ، دو دشمنی شده‌اند که یکی کینه دیگری را به دل دارد. اما از ویژگی‌های گرگ، سرعت او در زمان حرکت است. آهو علی‌رغم سرعت زیادش، اما خسته می‌شود، اما گرگ بدون خستگی، میانگین سرعت خود را کنترل می‌کند، بدون اینکه خسته شود و می‌تواند آهو را به چنگ آورد. گرگ ویژگی خارق‌العاده دیگری هم دارد، به طوری که می‌تواند حیوانی بزرگ را بلند کند و آن را مسافت زیادی حمل کند. گرگ‌ها به شکل فردی یا گروهی داخل جنگل‌ها یا مناطق کوهستانی زندگی می‌کنند و تنها در خلال زمستان گرد هم می‌آیند و به دنبال غذای خود می‌گردند. و هرچه قدر سرما شدت بگیرد، گرگ‌ها خطرناک‌تر و باجراتر (جسورتر) می‌شوند.





## پاسخنامه بخش دوم: درک مطلب، اعراب و تحلیل صرفی (تجزیه و ترکیب)

گرگ‌ها روزها را می‌خوابند و شب‌ها برای شکار بیرون می‌روند و زمانی که به آخر زمستان می‌رسند، گرگ ماده، در جست‌وجوی مکانی مناسب برای به دنیا آوردن بچه‌هایش می‌گردد. بچه‌گرگ‌ها در روزهای نخست (تولد) قادر به دیدن نیستند و مادر از آن‌ها حفاظت می‌کند، اما پس از گذشت زمان بر خویشتن تکیه می‌کنند.»

۱. ماده گرگ چه زمانی احساس می‌کند که زمان به دنیا آمدن بچه‌هایش است؟
  - (۱) زمانی که سرما شدت می‌گیرد!
  - (۲) زمانی که باران می‌بارد!
  - (۳) زمانی که بهار نزدیک می‌شود!
  - (۴) در آغاز تابستان!
۲. [گزینه] نادرست را مشخص کن:
  - (۱) زمانی که خورشید طلوع می‌کند، گرگ خواب است!
  - (۲) گرگ در زمان‌های تاریک به دنبال غذایش می‌گردد!
  - (۳) امکان وجود گرگ در مناطقی که در آن‌ها کوه وجود دارد، بعید نیست!
  - (۴) مادر مسئولیت زندگی را از آغاز به دوش خود فرزندان می‌اندازد!
۳. [گزینه] نادرست را در توصیف گرگ مشخص کن:
  - (۱) سرعتش از آهو کمتر است!
  - (۲) قوی‌الجثه است و گاهی اوقات تنها زندگی می‌کند!
  - (۳) خطرش در تابستان کمتر است!
  - (۴) هرگز میان درختان زندگی نمی‌کند!
۴. [گزینه] درست را مشخص کن: متن درباره موضوع به دنیا آمدن بچه‌گرگ‌ها از ... صحبت نکرده است.
  - (۱) تعداد بچه‌ها!
  - (۲) چگونگی مراقبت!
  - (۳) حالت بچه‌ها!
  - (۴) مکان تولد!

### ۵. خطاهای سایر گزینه‌ها:

- (۱) فاعله ضمیر «ه» ← مفعوله ضمیر «ه» [ضمیرهای متصل «ه، هها، هم، بها، ...» روی فعل‌ها مفعول هستند.]
- (۲) مجهول ← معلوم [هر فعلی که ضمیر مفعولی به آن وصل باشد، همیشه معلوم است. هم‌چنین آمدن «مجهول» و «فاعل» با هم در یک گزینه اشتباه است.]
- (۴) ثلاثی مجرد ← ثلاثی مزید [«یُدرک» مضارع باب «إفعال» است: أَدْرِكُ يُدْرِكُ أَدْرِكُ إدراك]

### ۶. خطاهای سایر گزینه‌ها:

- (۱) فاعله ضمیر «هم» ← مفعوله ضمیر «هم» [ضمیر «هم» مفعول فعل «تحرس» است.]
- (۲) لیس له مفعول ← له مفعول [ضمیر «هم» مفعول فعل «تحرس» است.]
- (۴) للمخاطب ← للغایبة

### ۷. خطاهای سایر گزینه‌ها:

- (۱) اسم المفعول ← اسم الفاعل [«مُناسب» اسم فاعل است.]
- (۲) مضاف إلیه للمضاف «مکان» ← صفة للموصوف «مکان» [«مکان مناسب» ترکیب وصفی است.]
- (۴) اسم المفعول ← اسم الفاعل / مضاف إلیه للمضاف «مکان» ← صفة للموصوف «مکان» [«مُناسب» اسم فاعل از باب «مفاعلة» است: نَاسِبٌ يُنَاسِبُ نَاسِبٌ مُنَاسِبَةٌ]

## ■ بسته بیست و چهارم

**ترجمه متن:** «موجودات زنده سه ویژگی مشترک دارند: اول تنفس، دوم نیازهای غریزی‌شان همچون تشنگی و ویژگی) آخر ادامه داشتن رشدشان تا پایان زندگی‌شان. هر (موجودی) که این سه ویژگی را نداشته باشد، موجود زنده به حساب نمی‌آید. اما این مانع نمی‌شود که هر موجودی، نیازمندی‌های خاص خود را داشته باشد، بنابراین می‌بینیم که برخی در آب و برخی



دیگر خارج از آب در خشکی زندگی می‌کنند. برخی از انواع (موجودات) به گرما و برخی دیگر از آن‌ها به سرما نیاز دارند. گروهی از مخلوقات از گیاهان تغذیه می‌کنند و برخی دیگر، از حیوانات و گروه سوم از هر دوی آن‌ها تغذیه می‌کنند. برخی حیوانات چندین ساعت زندگی می‌کنند و برخی دیگر چندین سال؛ برای نمونه، درختان بیش از هر چیز دیگری زندگی می‌کنند، اما انسان در این زمینه و به لطف پیشرفت‌های پزشکی و مراقبت‌های بهداشتی، اکنون به نسبت گذشته بسیار بیشتر زندگی می‌کند.»

۱. [گزینه] نادرست را برای جای خالی مشخص کن: هر موجودی که در درون خود نیاز به ... را احساس نکند، موجود زنده نیست.

(۱) رشد (۲) گرسنگی (۳) استمرار رشد (۴) مقدار عمرش  
بسیار واضح است که قرار دادن گزینه (۴) در جای خالی بی‌معنی است.

۲. [گزینه] درست را برای جای خالی مشخص کن: ... جزئی از ویژگی‌های مشترک موجود زنده نیست.  
(۱) جای زندگی! (۲) مرگ و زندگی! (۳) نیاز به غذا! (۴) نیاز به هوا!  
«جا و مکان زندگی» جزء خصوصیات مشترک موجودات زنده که در ابتدای متن به آن‌ها اشاره شده، نیست.

۳. [گزینه] نادرست را مشخص کن:

(۱) عمر حیوانات با عمر گیاهان برابر نیست!  
(۲) کمترین زمانی که موجود زنده زندگی می‌کند، یک روز است!  
(۳) مراقبت‌های بهداشتی و پایبندی به آن‌ها سبب می‌شود که موجود بیشتر زندگی کند!  
(۴) وجود آغاز و پایان در زندگی، از ویژگی‌های مشترک میان موجودات است!

۴. [گزینه] نادرست را مشخص کن: موضوعاتی که در متن به ترتیب آمده‌اند، عبارت‌اند از...

(۱) نیازهای غریزی، عمر گیاهان، عمر انسان  
(۲) زندگی در آب، عمر درختان، امور بهداشتی  
(۳) تکامل، تغذیه، سرما و گرما نزد حیوانات  
(۴) ویژگی‌های مشترک، ویژگی‌های ویژه، عمر موجودات

۵. [خطاهای سایر گزینه‌ها]:

(۱) له حرف زائد ← له حرفان زائدان [«تشتترك» مضارع باب «افتعال» است و دو حرف زائد دارد.]  
(۲) للمخاطب ← للغائبة  
(۳) من باب «انفعال» ← من باب «افتعال»

۶. [خطاهای سایر گزینه‌ها]:

(۱) له حرف زائد ← ليس له حرف زائد [«يمنع» ثلاثی مجزّد است و حرف زائد ندارد.]  
(۳) مضارع للتّهي ← مضارع للتّفي  
(۴) مفعوله «هذا» ← فاعله «هذا» [«هذا» فاعل «يمنع» است.]

**راهبرد:** هر فعل مضارعی که در صیغه «مفرد مذکر غایب (هو)» چهار حرف باشد و با حرکت فتحه «ع» شروع شود، ثلاثی مجزّد است. مثال: یمنع، یجلس، یعلم، یظنّ، یسبّ، یجعل، ...

۷. [خطاهای سایر گزینه‌ها]:

(۲) اسم المفعول من الفعل المزيد ← اسم المفعول من الفعل المجزّد [«المخلوقات» اسم مفعول از فعل ثلاثی مجزّد است.]  
(۳) خبر للمبتدأ «قسم» ← مجرور بحرف الجرّ [«قسم» مبتدا و خبر آن «یتغذی» است.]  
(۴) معرفة (علم) ← معرفة (معرف بال) / خبر للمبتدأ «قسم» ← مجرور بحرف الجرّ

چندسہ

ہزارست  
عربی

# میرگان، قواعد و ضبط حركات



## ■ بسته یازدهم:

### ۱. عین الصحیح فی ضبط حرکات الحروف:

- (۱) العنبُ البرازيليُّ شجرةٌ تختلّف عن باقي أشجار العالم!
- (۲) تبدأ الشجرة الخائفة حياتها بالالتفاف حول جذوع الأشجار!
- (۳) يؤكد القرآن الكريم أنّ لهذا العالم سنناً وقوانين مختلفّة!
- (۴) يستخدم المزارعون شجرة النّفت كسياج حول مزارعهم!

(هنر ۹۸)

### ۲. عین ما فيه المتضاد:

- (۱) هذه القرية قرب المدينة ويعمل أكثر الناس فيها بالزراعة!
- (۲) اليوم اشترت الأم لباساً رخيصاً ولولدها بمناسبة يوم ميلاده!
- (۳) في بداية الأمر لم يُشاهد تقدماً في عمله ولكنه في النهاية نجح!
- (۴) صارت هذه الطالبة ناجحةً وأصبح والداها مسرورين وأعطياها جائزة!

### ۳. عین الصحیح:

- (۱) التوم: الذي قدر قد في الغرفة على السرير!
- (۲) العميل: من يجمع معلومات سرّية لدولة أجنبية!
- (۳) الصّف: مكانٌ يُدرّس فيه التلاميذ والطلّاب!
- (۴) المشكاة: مصباحٌ فيه فتيلةٌ تُضاء بالزيت!

### ۴. عین المفعول ليس جمع التّكسير:

- (۱) ربّنا هو من يدفع المشاكل عنّا،
- (۲) ويُعطي دائماً نعمه إلينا،
- (۳) ونحن رفعنا أيدينا إليه،
- (۴) ونرجو أن يجعل الصّالحين من بيننا!

(هنر ۹۸)

### ۵. عین ما ليس فيه نون الوقاية:

- (۱) أحسنني إلى المساكين دائماً يا أختي العزيزة!
- (۲) إلهي: أحبّك لأنك تجعلني في أعين الناس كبيراً!
- (۳) قد أعطاني والداي ما أحتاج إليه في طول الأيام!
- (۴) إنتخبنتني هذه الأسرة لمساعدة أولادها في فهم الدروس!

(خارج ۹۴)

### ۶. عین اسم الفاعل من المجزّد الثلاثي:

- (۱) التّاس في مسير حياتهم يبحثون عن أصدقاء مخلصين! (۲) هؤلاء المعلّمون يُحاولون في سبيل تعليم التلاميذ كثيراً!
- (۳) سيصل الطّلاب إلى أهدافهم بالجهد والسعي!
- (۴) كانت تلك الشجرة مُشرقة على دارنا!

### ۷. عین فعلاً ناقصاً له حرف زائد:

- (۱) لن يصير الإنسان مؤمناً حتّى يكون صادقاً في حديثه! (۲) مع اقتراب فصل الربيع يُصبح الجو لطيفاً إن شاء الله!
- (۳) لم نقدّر أن نشترى هذه السيارة لأنّ سعرها ليس رخيصاً! (۴) كنتُ لا أعرف شيئاً عن حياة هذا العالم الشّهير!

(خارج انساني ۹۸)

### ۸. عین المستثنى منه محذوفاً:

- (۱) لا يُنبر عقل الإنسان في حياته شيءٌ إلا العلوم النّافعة!
- (۲) لم يخلق الله في الطّبيعة إلا كلّ ما مفيد لجميع الكائنات!
- (۳) لا نقنّدي بأحد ليكون لنا أسوة مناسبة إلا بالإنسان الكامل!
- (۴) لا يُحافظ أكثرُ الناس على صحتهم في الحياة إلا قليلاً منهم!

۱ ( ۱ ۲ ۳ ۴ ) ۲ ( ۱ ۲ ۳ ۴ ) ۵ ( ۱ ۲ ۳ ۴ ) ۷ ( ۱ ۲ ۳ ۴ ) ۹ ( ۱ ۲ ۳ ۴ )  
۲ ( ۱ ۲ ۳ ۴ ) ۴ ( ۱ ۲ ۳ ۴ ) ۶ ( ۱ ۲ ۳ ۴ ) ۸ ( ۱ ۲ ۳ ۴ ) ۱۰ ( ۱ ۲ ۳ ۴ )



■ بسته دوازدهم:

۱. عین الخطأ في ضبط الحركات:

- (۱) كَشَفَ هذا العالمُ بأنَّ ثَمَانِينَ في المِئَةِ مِنَ مَوْجُودَاتِ العَالِمِ حَشْرَاتٌ!
- (۲) إِنَّ هذا العَمَلَ اَمْتَعُ و اَنْفَعُ مِنَ قِرَاءَةِ المَوْضُوعَاتِ المُتَعَدِّدَةِ!
- (۳) رَبُّ كِتَابٍ يَنْفَعُ قَارِئَهُ فَيُوَثِّرُ فِي نَفْسِهِ تَأثيراً عَميقاً!
- (۴) وُلِدَ الفَرَزْدَقُ في مَنطِقَةِ بَالِكوْبِ و عاشَ بِالبَصْرَةِ!

۲. عین الخطأ للتوضيحات التالية:

- (۱) الموعِد: المدة التي يجب على موظف أن يقضيها في محل عمله!
- (۲) الدليل: الذي يُرشد المُسافِرِينَ و يُرافقهم أثناء السَّفَرِ إلى أماكن مختلفة!
- (۳) الشهادة: ورقة تُمنَحُ مَنْ يتخرَّجُ من المدرسة أو الجامعة!
- (۴) الدرر: أحجارٌ نفيسة ذات قيمة عالية ليس لونها أسود!

۳. عین نوع الجمع يختلف عن الباقي:

(رياضی ۹۸)

- (۱) رأيت هؤلاء المؤمنين في المسجد!
- (۲) علينا أن نرحم المساكين!
- (۳) شاهدت الطلاب جالسين في الصف!
- (۴) اتحد المسلمون بسبب تقدمهم!

۴. عین الصحيح في إعلان الساعة:

- (۱) ۴: ۴۰ ← الخامسة إلا ثلثاً!
- (۲) ۳: ۳۰ ← العشرة و النصف!
- (۳) ۳: ۳۰ ← نصف ساعة قبل الأول!
- (۴) ۴: ۴۵ ← التاسعة إلا ربعاً!

۵. ۸۷۳. عین ما فيه اسم المبالغة:

- (۱) اشتريت فستاناً من الدكان الذي كان قرب بيتنا!
- (۲) انقطع تيار الكهرباء في القرية بعد نزول الثلج!
- (۳) الدفاع عن الناس أمام الأعداء واجبٌ على الحكام!
- (۴) كان عندي جوال تفرغ بطاريته خلال ساعتين تقريباً!

۶. عین جواب الشرط مجهولاً:

- (۱) إذا يكرم المساكين في بلد ينزل الله رحمته عليه!
- (۲) من لا يكرم نفسه لا يكرم في المجتمع بين الناس!
- (۳) إن شاهدنا هذا الفلم الأكشن نُحِبُّنا بلا شك!
- (۴) إن تسبوا على الأرض تُشاهدوا مظاهر قدرة الله!

(هنر ۹۸)

۷. «من ..... في الحياة، ف..... على الله!» عین الخطأ للفراعين:

- (۱) أرادت أن تفوز / لتتوكل
- (۲) يُحِبُّ أن ينجح / ليتوكل
- (۳) تُحِبُّ أن تنجح / عليها أن تتوكل
- (۴) أراد أن يفوز / عليه أن يتوكل

۸. عین ما ليس فيه الحال:

- (۱) من صلى صلاة الليل و هو شابٌ مؤمناً يُصبح محبوباً عند الله!
- (۲) حشرة تقدر على حمل شيء يفوق وزنها خمسين مرةً هي النملة!
- (۳) أحبُّ أن أستمع إلى صوت أمواج البحر و أنا أمشي على الشاطئ!
- (۴) رجعتُ من المدرسة إلى البيت مُستعجلةً لأنَّ المطر كادَ ينزل!

۱	۱	۲	۳	۴	۳	۱	۲	۳	۴	۵	۱	۲	۳	۴	۷	۱	۲	۳	۴	۹	۱	۲	۳	۴
۲	۱	۲	۳	۴	۴	۱	۲	۳	۴	۶	۱	۲	۳	۴	۸	۱	۲	۳	۴	۱۰	۱	۲	۳	۴



۲) «علمياً» مصدر فعل «تقدّموا» نیست تا بتواند مفعول مطلق شود، حتی اگر مصدر «تقدّموا» هم می‌بود، چون پس از آن صفت یا مضاف‌الیه نیامده است، نمی‌توانست مفعول مطلق نوعی (بیانی) شود.

۳) «مُتقدّمین» با دو دلیل نمی‌تواند مفعول مطلق شود؛ یکی اینکه جمع است و دیگری اینکه اسم فاعل است. البته اگر مصدر فعل «تقدّموا» هم باشد، چون پس از آن صفت یا مضاف‌الیه نیامده، نمی‌تواند مفعول مطلق نوعی (بیانی) شود.

**توجه:** این پنج مورد هیچگاه نمی‌توانند مفعول مطلق شوند: «اسم فاعل»، «اسم مفعول»، «اسم مبالغه»، «اسم تفضیل»، «اسم مکان»

## ■ بسته یازدهم:

### ۱. بررسی گزینه‌های نادرست:

۱) تَخْتَلَفُ ← تَخْتَلِفُ [تَخْتَلِفُ] مضارع باب «إِفْتَعَال» و بر وزن «تَفَعَّلُ» است.

العالم ← العالم «العالم» به معنی «جهان» است و با «العالم (دانا، دانشمند)» تفاوت دارد.

۲) الخائفة ← الخائفة «الخائفة» اسم فاعل و بر وزن «فاعل» است.

الإلتفات ← الإلتفات «الإلتفات» مصدر باب «إِفْتَعَال» است.

۳) العالم ← العالم

مُخْتَلَفَةٌ ← مُخْتَلِفَةٌ [مُخْتَلِفَةٌ] اسم فاعل است.

**راهبرد:** موقع حل تست‌های ضبط حرکت حتماً حتماً به حرکت حرف «لام» در دو کلمه «العالم (دانا، دانشمند)» و «العالم» توجه کنید و بر اساس معنی تشخیص دهید که آیا «العالم» درست است یا «العالم»؟

۲. ۳) «بداية: آغاز، شروع» و «النهاية: پایان» در (۳) با هم متضاد هستند.

۳. ۲) «مزدور (کارگزار): کسی است که اطلاعاتی محرمانه برای کشوری بیگانه جمع می‌کند.»

### بررسی گزینه‌های نادرست:

۱) «خواب: کسی که در اتاق بر روی تخت‌خواب خوابیده است.» «النائم: خوابیده» صحیح است.

۳) «کلاس: جایی که در آن دانش‌آموزان و دانشجویان تدریس می‌کنند.» «یَدْرُسُ: درس می‌خوانند» صحیح است.

۴) «چراغدان: چراغی است که در آن فتیله‌ای است که با آن روشن می‌شود.» «مشكاة: چراغدان» در آن چراغ قرار داده می‌شود، نه اینکه خودش چراغ باشد.

۴. ۲) سؤال گزینه‌ای را می‌خواهد که در آن مفعول جمع مکسر (تکسیر) نباشد. در (۴) «الصالحين» مفعول فعل «يجعل» است و «جمع مذکر سالم» است. ترجمه: «و امیدواریم که درستکاران را از میان ما قرار دهد.»  
بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) «المشاكل» که جمع مکسر (تکسیر) «المشكلة» است، مفعول فعل «يدفع» است.

۲) «التعم» که جمع مکسر (تکسیر) «نعمة» است، مفعول فعل «يُعطي» است.

۳) «أيدي» که جمع مکسر (تکسیر) «يد» است، مفعول فعل «رفعنا» است.

**راهبرد:** در سؤالات دو قسمتی که به عنوان مثال از شما می‌خواهند که مفعولی را مشخص کنید که جمع تکسیر باشد، یا فاعل جمع مذکر سالم باشد، ... همیشه سعی کنید دنبال قسمتی از سؤال که ساده‌تر است بگردید. به عنوان مثال در این تست که گفته است «مفعول را مشخص کنید که جمع تکسیر (مکسر) نباشد»، اگر فقط دنبال جمع تکسیر بگردیم و اصلاً مفعول را هم بررسی نکنیم، به جواب می‌رسیم.

۵. ۱) فعل امر «أحسني» در (۱) دارای نون وقایه نیست؛ زیرا حرف «ن» جزء حروف اصلی (ریشه) فعل است.

### بررسی سایر گزینه‌ها:

۲) «تجعلني (تجعل + ن + ي)» ۳) «أعطاني (أعطى + ن + ي)» ۴) «انتخبني (انتخب + ن + ي)»

۶. ۳) سؤال اسم فاعلی را می‌خواهد که از فعل «ثلاثي مجزء» ساخته شده باشد؛ یعنی اسم فاعل بر وزن «فاعل» را می‌خواهد. «الطالب» در (۳) جمع «الطالب» است، و «الطالب» اسم فاعل از فعل «ثلاثي مجزء» است.



بررسی سایر گزینه‌ها:

- ۱) «مُخْلِصِينَ» اسم فاعل از فعل ثلاثی مزید «أَخْلَصَ يُخْلِصُ» است که باب «إِفعال (إِخْلاص)» می‌باشد.  
 ۲) «الْمُعَلِّمُونَ» اسم فاعل از فعل ثلاثی مزید «عَلَّمَ يُعَلِّمُ» است که باب «تفعیل (تعلیم)» می‌باشد.  
 ۴) «مُشْرِفَةً» اسم فاعل از فعل ثلاثی مزید «أَشْرَفَ يُشْرِفُ» است که باب «إِفعال (إِشْراف)» می‌باشد.
۷. سؤال یکی از افعال ناقصه را می‌خواهد که حرف زائد داشته باشد. «يُصِيحُ» در (۲) که یکی از افعال ناقصه است، ثلاثی مزید از باب «إِفعال» است و دارای یک حرف زائد (أ) می‌باشد. امّا «يَصِيرُ»، «لَيْسَ» و «كُنْتُ» در سایر گزینه‌ها که افعال ناقصه هستند، ثلاثی مجرّد هستند و حرف زائد ندارند.

**راهبرد:** در مورد افعال ناقصه به این دو نکته نیز دقت کنید: «كَانَ يَكُونُ»، «صَارَ يَصِيرُ» و «لَيْسَ» ثلاثی مجرّد و بدون حرف زائد هستند. امّا «أَصْبَحَ يُصْبِحُ» ثلاثی مزید باب «إِفعال» و دارای یک حرف زائد (أ) است. گفتن هر کدام از موارد («معلوم و مجهول»، «فاعل و نائب فاعل»، «مفعول» و «لازم و متعدی») در مورد «افعال ناقصه» اشتباه است. **توجه:** اگر در تستی پرسیدند که فعلی را مشخص کنید که «فاعل» ندارد؛ باید دنبال یکی از این دو مورد بگردید: ۱- فعل مجهول ۲- افعال ناقصه

۸. سؤال «اسلوب حصر» را می‌خواهد. در (۲) «كُلُّ مَا» مستثنی است، ولی «مستثنی منه» آن در جمله قبل از «إِلَّا» وجود ندارد، و جمله قبل از «إِلَّا» از نظر معنی ناقص است. ترجمه: «خداوند در طبیعت فقط هر آن چه را که برای موجودات مفید است، خلق کرده است.»

بررسی سایر گزینه‌ها:

- ۱) «العلوم» مستثنی و «شيء» مستثنی منه آن است (اسلوب استثناء).  
 ۳) «بالإنسان» مستثنی و «بأحد» مستثنی منه آن است (اسلوب استثناء).  
 ۴) «قليلًا» مستثنی و «أكثر الناس» مستثنی منه آن است (اسلوب استثناء).

■ بستهٔ دوازدهم:

۱. العالم ← العالم - العالم ← العالم  
 با توجه به معنی عبارت «این دانشمند کشف کرد که... از موجودات جهان...» مشخص می‌شود که به ترتیب «العالم (دانشمند)» و «العالم (جهان)» صحیح است.

۲. «وقت: مدتی که یک کارمند باید آن را در محل کارش سپری کند.» [دوام: ساعت کار] صحیح است.]  
 بررسی سایر گزینه‌ها:

- ۲) «راهنما: کسی که مسافران را راهنمایی می‌کند و در طول سفر به جاهایی مختلف آن‌ها را همراهی می‌کند.»  
 ۳) «مدرک: برگه‌ای که به کسی که از مدرسه یا دانشگاه دانش آموخته شود، داده می‌شود.»  
 ۴) «مروریدها: سنگ‌هایی ارزشمند و نفیس دارای قیمتی گران که رنگ آن‌ها سیاه نیست.» [رنگ مرورید: آبیض: سفید] است.]

۳. «جمع مذكر سالم» هستند. [«الطّالِب» در (۳) جمع مَكْسَر «الطّالِب» است.]  
 «المساکين» جمع مَكْسَر «المسکين» است، ولی «المؤمنين»، «جالسين» و «المسلمين» در سایر گزینه‌ها همگی «جمع مذكر سالم» هستند.

**راهبرد:** نکته‌ای که می‌تواند در تشخیص «جمع مذكر سالم» از «جمع مَكْسَر (تکسیر)» به شما کمک کند، این است که «ون» یا «ین» را از آخر اسم حذف کنید، بعد اگر با حذف «ون» یا «ین» مفرد اسم به دست آمد، جمع مذكر سالم است و اگر مفرد آن به دست نیامد، جمع مَكْسَر (تکسیر) است:

مساکين: مساک ✕ ← جمع مَكْسَر      قوانین ← قوان ✕ جمع مَكْسَر  
 مُجرمون ← مُجرم ✓ ← جمع مذكر سالم      سارقون: سارق ✓ ← جمع مذكر سالم

۴. در (۱) آمده است که «پنج به جز ثلث»؛ کلمه «ثُلُث» یعنی «یک سوّم»، و «یک سوّم» یک ساعت «۲۰ دقیقه» می‌شود. به عنوان مثال وقتی که گفته می‌شود «ساعت پنج به جز ثُلُث»؛ یعنی «چهار و چهل دقیقه»، لذا (۱) صحیح است.



### بررسی گزینه‌های نادرست:

- ۲) برای بیان ساعت از عدد ترتیبی استفاده می‌کنیم: «**العاشرة** و **التصّف**»  
 ۳) برای بیان ساعت یک از «**الواحدة**» استفاده می‌شود و استفاده از «**الأول**» اشتباه است.  
 ۴) «**التاسعة** إلّا زُبْعاً» یعنی «۴۵: ۸» و باید «**السابعة** إلّا زُبْعاً» نوشته می‌شد.

**راهبرد:** برای بیان ساعت از اعداد ترتیبی مؤنث و برای بیان دقیقه از اعداد اصلی استفاده می‌شود. برای نوشتن ساعت یک از «**الواحدة**» استفاده می‌شود، نه «**الأول**». «**زُبْع**: یک چهارم (۱۵ دقیقه)» و «**ثُلث**: یک سوم (۲۰ دقیقه)» را با هم اشتباه نگیرید. «**الساعة التاسعة**: ساعت نه» و «**الساعة السابعة**: ساعت هفت» را با هم اشتباه نگیرید.

۵. ﴿١٤٦﴾ «جَوَال (تلفن همراه، موبایل)» در (۴) اسم مبالغه است.

در سایر گزینه‌ها «الدَّكَّان (مغازه)»، «تِيَار (جریان)» و «الحُكَّام (جمع «حاكِم: اسم فاعل)» اسم مبالغه نیستند.

**راهبرد:** این کلمات اسم مبالغه نیستند: «تِيَار (جریان)»، «سَلَال (آبشار)»، «الدَّكَّان (مغازه)»، «الدَّوَاب (چهارپایان)»، «بَطَّارِيَة (باتری)»، «عَصَاة»، «زِيَارَة»، «عَلَامَة (نشانه، علامت)»، «الثَّرَاب (خاک)»، «التَّدَامَة (پشیمانی)» «تَوَجَّه: وزن «فَعَال» را که جمع مکسّر (اسم فاعل) است، یا وزن «فَعَال (اسم مبالغه)» اشتباه نگیرید. «حُكَّام (حاكِم: اسم فاعل)»، «زُّوَار (زائر: اسم فاعل)»، «سُبَّاح (ساح: اسم فاعل)»، «تُبَّار (ناجر: اسم فاعل)»، «نُقَاد: ناقد: اسم فاعل)»، «حُقَّاط (حافظ: اسم فاعل)»، ... دو کلمه «تِيَار (جریان)» و «طَيَّار (خلبان: اسم مبالغه)» را با هم اشتباه نگیرید. کلمه «كُفَّار» را که جمع مکسّر «كافر» است و «اسم فاعل» می‌باشد با کلمه «كُفَّار» که اسم مبالغه و به معنی «بسیار ناسپاس» است، اشتباه نگیرید.

۶. ﴿١٢٦﴾ در (۲) فعل «لا يكرّم» جواب شرط است که بر اساس معنی عبارت: «هرکس خودش را گرامی ندارد، در جامعه میان مردم گرامی داشته نمی‌شود.» مشخص است که مجهول است.

### بررسی سایر گزینه‌ها:

- ۱) «يُنزِل» جواب شرط و معلوم است و «اللّه» و «رحمت» به ترتیب «فاعل» و «مفعول» آن هستند. ترجمه: «اگر بینوایان در کشوری گرامی داشته شوند، خدا رحمتش را بر آن نازل می‌کند (فرو می‌فرستد).» [دَقَّت کنید که «يُكْرَم (فعل شرط)» مجهول است، اما سؤال دربارهٔ جواب شرط است، نه فعل شرط!]  
 ۳) فعل «تُحَيِّر» که جواب شرط است، از روی ضمیر «نا» که مفعول آن می‌توان فهمید که معلوم است. ترجمه: «اگر این فیلم اکشن را ببینیم، بدون تردید ما را متعجب (حیران) می‌سازد.»  
 ۴) «تُشَاهِدُوا» جواب شرط و معلوم است و «مُظَاهَر» مفعول آن است. ترجمه: «اگر در زمین بگردید، نشانه‌های قدرت خدا را مشاهده می‌کنید (می‌بینید).»

۷. ﴿٣٧٠﴾ **معنی عبارت:** «هرکس ..... در زندگی، پس ..... بر خدا!»

### ترجمه گزینه‌ها:

- ۱) بخواهد پیروز شود / باید توکل کند  
 ۲) دوست دارد که موفق شود / باید توکل کند  
 ۳) دوست دارد که موفق شوی / باید توکل کنی  
 ۴) بخواهد برنده شود / باید توکل کند  
 همان‌طور که از معنی مشخص است؛ در (۳) دو فعل «تُحِب» و «أَنْ تَنْجِحِي» با هم تناسب ندارند و برای تکمیل جای خالی صحیح نیستند، زیرا «تُحِب» صیغه «هي» است و «أَنْ تَنْجِحِي» صیغه «أَنْتِ» است، و معنی عبارت چنین می‌شود: «هرکس دوست دارد که موفق شوی، باید بر خدا توکل کند.» که نادرست است و باید «أَنْ تَنْجِح (صیغه هي)» باشد تا با «تُحِب» تناسب داشته باشد و معنی جمله صحیح باشد. هم چنین حرکت ساکن «ع» آخر فعل «أَنْ تَتَوَكَّلْ» نادرست است و باید فتنحه «ع» یعنی «أَنْ تَتَوَكَّلْ» باشد.

**راهبرد:** فعل‌های مضارع بعد از حروف [أَنْ / لَنْ / كَيْ / لِكِي / حَتَّى / لِ:]

(الف) در صیغه‌های «هُوَ، هِيَ، أَنْتَ، أَنَا، نَحْنُ» حرف آخر آن‌ها فتنحه «ع» می‌گیرد.





ب) اگر آخر آن‌ها [«ان / ون / ین»] داشته باشد، حرف «ن» حذف می‌شود.  
**توجه ۱:** گاهی حرف «أُنْ + لا» به صورت «أَلَا» نوشته می‌شود. مثال: أَلَا تعرف، أَلَا يلعبوا...  
**توجه ۲:** حرف «ن» در دو صیغه «هُنَّ» و «أَتَتْ» هیچگاه حذف نمی‌شود.  
**توجه ۳:** اگر در تستی پرسیدند که [«عین فعلاً مضارعاً لا يتغير شكله أبداً: فعل مضارعی را تعیین کن که شکل آن هرگز تغییر نمی‌کند.»]  
 یکی از این دو صیغه «هُنَّ» و «أَتَتْ» فعل مضارع را از شما می‌خواهند.

۸. در (۲) نه «حال مفرد» و نه «جملهٔ حالیه» نیامده است. «هي التَّملة» اگر جملهٔ حالیه می‌بود، می‌بایست در ابتدای آن حرف «و» می‌آمد. [«حشرة» مبتدا، «تقدر» جملهٔ وصفیه، «يفوق» جملهٔ وصفیه، «هي» برای تأکید مابین مبتدا و خبر آمده است. «التَّملة» خبر]

#### بررسی سایر گزینه‌ها:

- (۱) «و هو شاب» جملهٔ حالیه است. ترجمه: هرکس نماز شب را به جای بیاورد در حالی که جوانی مؤمن است، نزد خداوند محبوب می‌شود. [«مؤمن» صفت، «يُصبح» جواب شرط، «محبوباً» کامل کنندهٔ معنی «يُصبح»]  
 (۳) «وَأنا أمشي» جملهٔ حالیه است. ترجمه: دوست دارم که به صدای امواج دریا گوش دهم در حالی که روی ساحل راه می‌روم.  
 (۴) «مُستعجلة» حال مفرد است. ترجمه: «با عجله از مدرسه به خانه برگشتم؛ زیرا نزدیک بود باران ببارد.»

### ■ بستهٔ سیزدهم:

۱. **تَتَنَقَّلُ** - **تَتَنَقَّلُ** < **تَتَنَقَّلُ** [«تَتَنَقَّلُ» فعل مضارع باب «افْتَعَلَ» و بر وزن «تَفَعَّلُ» است.]  
 - **أَخْر** < **أَخْر** [با توجه به «مکان آخر» که به معنی «مکانی دیگر» می‌باشد، «أَخْر» صحیح است.]

**راهبرد:** دو کلمهٔ دیگر که حرکت حرف «خ» آن‌ها بسیار مهم است «أَخْر (پایان، انتها)» و «أَخْر (دیگر، دیگری)» است که باید بر اساس معنی تشخیص داد که آیا «أَخْر، أَخْرَة» صحیح است یا «أَخْر، أَخْرَيْن»؟

۲. **تَتَنَقَّلُ** «کسی که قانون را رعایت نمی‌کند: اخلاگر، اغتشاش‌گر، اغتشاش‌گر»  
 بررسی گزینه‌های نادرست:  
 (۱) «گناهان بزرگ: إثم» [معادل «الذُّنوب الكبيرة» کلمهٔ «کبائر» است.]  
 (۲) «کسی که توبه را می‌پذیرد: توبه‌کننده» [معادل آن «تَوَّاب» بسیار توبه‌پذیر است.]  
 (۴) «کسی که با صدایی ضعیف صحبت می‌کند: پیچ‌پیچ کرد» [باید به جای فعل «هَمَسَ» گفته می‌شد؛ «الشَّخْص الَّذِي يَهْمَسُ: کسی که پیچ‌پیچ می‌کند»]  
 ۳. سؤال گزینه‌ای را می‌خواهد که دربارهٔ «فَأَس (تبر)» صحیح باشد. در (۴) آمده است که «ابزاری است که برای بریدن درختان و شاخه‌های آن‌ها به کار گرفته می‌شود.» که دربارهٔ «فَأَس (تبر)» صحیح است.  
 بررسی گزینه‌های نادرست:

- (۱) «ابزاری دارای دسته‌ای از آهن یا مس» [دستهٔ تبر از «حَشَب (چوب)» است.]  
 (۲) «ابزاری که معمولاً مردم از آن برای کندن زمین استفاده می‌کنند.» [«تبر» برای بریدن و قطع کردن درختان و شاخه‌های آن است، نه برای حفر کردن زمین.]  
 (۳) «ابزاری است دارای دندان‌های پهن از سنگ که با آن بریده می‌شود.» [دندان و لبهٔ تبر از آهن است نه از سنگ.]  
 ۴. سؤال گزینه‌ای را می‌خواهد که در آن مصدر ثلاثی مزید نیامده باشد. در (۲) مصدری از مصدرهای هشتگانهٔ ثلاثی مزید وجود ندارد. «مُتَعَلِّقَة» مصدر نیست، بلکه «اسم فاعل» از باب «تَفَعَّل» است. هم‌چنین «المُجاوِزة» مصدر باب «مُفاعَلَة» نیست، چرا که اگر مصدری می‌بود بر وزن «مُفاعَلَة = مُجاوِزة» می‌آمد، بلکه «اسم فاعل» از باب «مفاعلة» است. در سایر گزینه‌ها «التَّعْرُف»، «تَنَاوَل» و «مُطالعة» به ترتیب مصدر باب‌های «تَفَعَّل»، «تَفَاعَل» و «مُفاعَلَة» هستند.

جنتیں دین حرم

ہزار اہست  
عربی

# آزمون سب سے زیادہ سوالات



**توجه:** در آزمون‌های رشته علوم انسانی، در روبه‌روی بعضی از تست‌ها (ویژه انسانی) می‌بینید که این تست‌ها فقط مخصوص داوطلبان گروه علوم انسانی است و داوطلبان سایر رشته‌ها با این تست‌ها سروکاری ندارند.

### رشته ریاضی

#### ○ عین الأنسب للجواب عن الترجمة أو المفهوم من أو إلى العربية (۲۶- ۳۵)

۲۶. «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا...»: هان ای مردم.....

- ۱) همانا ما شما را از یک نر و یک ماده آفریدیم و شما را ملت‌ها و قباایل قرار دادیم تا با یکدیگر آشنایی یابید...!
- ۲) شما را قطعاً به شکل نر و ماده آفریده‌ایم و ملت‌ها و قباایل را در شما قرار دادیم باشد که با هم انس بگیرد...!
- ۳) شما را بدون شک به صورت مذکر و مؤنث آفریده‌ایم و شعبه‌ها و عشیره‌ها از شما قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید...!
- ۴) قطعاً ما شما را از یک مرد و یک زن خلق کردیم و به هیئت اقوام و قبیله‌ها پدید آوردیم تا شاید یکدیگر را بشناسید...!

۲۷. «مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْجَحَ فِي حَيَاتِهِ فَلْيَجْعَلِ السَّعْيَ صَدِيقَهُ الْحَمِيمَ وَ التَّجْرِبَةَ مُسْتَشَارَهُ الْحَكِيمَ!»:

- ۱) کسی که خواسته است در زندگیش پیروز گردد، تلاش را دوستی گرم و صمیمی و تجربه را مشاوره حکیم برای خود قرار می‌دهد!
- ۲) هر کسی که می‌خواهد در زندگی خود موفق شود باید سعی کردن را دوستی صمیمی و تجربه کردن را مشاوره دانا قرار دهد!
- ۳) آن که پیروز شدن را در زندگیش خواسته است، دوست صمیمی‌اش را سعی کردن و مشاور دانایش را تجربه قرار می‌دهد!
- ۴) هر کس بخواهد در زندگی خود موفق بشود، باید تلاش را دوست صمیمی و تجربه را مشاور خردمند خویش قرار دهد!

۲۸. «إِذَا نَعِبَ عَمَلٌ أَحَدٍ ثُمَّ فَهَّمْنَا أَنَّنَا كُنَّا مَخْطِئِينَ يَجِبُ عَلَيْنَا أَنْ نَعْتَذِرَ مِنْهُ مُعْتَرِفِينَ بِذَلِكَ، وَ هَذَا دَلِيلٌ عَلَى شَجَاعَتِنَا!»:

- ۱) آن‌گاه که عیب کار کسی را بگیریم و بفهمیم که خودمان خطاکار بودیم، باید اعتراف کرده عذرخواهی کنیم، که این دلیل بر شجاعت‌مان است!
- ۲) وقتی از کار فردی عیب می‌گیریم سپس می‌فهمیم که خطا کرده بودیم. باید ضمن اعتراف به آن، از او معذرت‌خواهی کنیم، و این دلیلی بر شجاعت ماست!
- ۳) اگر عمل کسی را عیب بدانیم آن‌گاه بفهمیم که خطا کرده‌ایم، بر ما واجب است معذرت‌خواهی کرده اعتراف کنیم، که این دلیلی بر شجاعت ما می‌باشد!
- ۴) هرگاه از عمل کسی عیب‌جویی کنیم آن‌گاه بفهمیم که ما خطاکاریم، حتماً باید به خاطر آن عذرخواهی کنیم در حالی که به آن اعتراف‌کننده‌ایم، و این دلیلی بر شجاعت‌مان خواهد بود!

۲۹. «إِنَّ الْهَمْسَ الَّذِي يَمْنَعُكَ عَنِ التَّعَلُّمِ فِي الصَّفِّ، يَضُرُّكَ ضَرَرًا لَا تَنْتَبِهُ إِلَيْهِ إِلَّا فِي نَهَايَةِ السَّنَةِ!»:

- ۱) آهسته سخن گفتنی که تو را از آموزش در کلاس باز دارد، کاملاً به تو ضرری می‌زند که متوجه آن نمی‌شوی مگر در پایان سال!
- ۲) در کلاس در گوشی سخن گفتن، تو را از آموختنی باز می‌دارد که به تو قطعاً ضرر می‌زند و متوجه آن نمی‌شوی مگر در پایان سال!
- ۳) آهسته سخن گفتن در کلاس، تو را از یادگیری باز می‌دارد و به تو ضرر می‌زند به گونه‌ای که فقط در پایان سال متوجهش می‌شوی!
- ۴) پیچ‌کردنی که تو را از آموختن در کلاس باز دارد، به تو ضرری می‌زند که فقط در پایان سال متوجه آن می‌شوی!



۳۰. «هناك سبعة نجوم منيرة كمجموعةٍ من الدُّرر بين مئات آلاف نجمةٍ أخرى في السماء تُسمَّى الدَّبُّ الأكبر!»:»

- ۱) هفت ستاره نورانی که چون مجموعه‌ای از مروارید در میان صد هزار ستاره دیگر در آسمان هستند، دَبُّ اکبر را تشکیل می‌دهند!
- ۲) هفت ستاره درخشان که چون مجموعه‌ای از مرواریدها در میان صدها و هزاران ستاره دیگر در پهنه آسمانند، دَبُّ اکبر می‌باشند!
- ۳) هفت ستاره درخشان همچون مجموعه‌ای از مرواریدها در میان صدها هزار ستاره دیگر در آسمان وجود دارد که دَبُّ اکبر نامیده می‌شود!
- ۴) هفت ستاره تابان مجموعه‌ای چون مروارید هستند که در میان صدها هزار ستاره دیگر در پهنه آسمان قرار دارند و دَبُّ اکبر نامیده می‌شود!

۳۱. «قوة هذا الإعصار تُسحب الأسماك إلى مكان بعيد على بُعد مائتي كيلومترٍ من المُحيط الأطلسي!»:»

- ۱) قدرت این گردباد ماهی‌ها را به مکانی دور، در فاصله دویست کیلومتری از اقیانوس اطلس می‌کشاند!
- ۲) چنین گردبادی با قدرت، ماهی‌ها را به مکان دور، در دویست کیلومتر دورتر از اقیانوس اطلس می‌اندازد!
- ۳) نیروی این طوفان ماهی‌ها را به سوی مکان دور، در دویست کیلومتر آن طرفتر از اقیانوس اطلس می‌کشاند!
- ۴) این گردباد با نیروی زیاد، ماهی‌ها را به سمت مکانی دوردست، در فاصله دویست کیلومتری اقیانوس اطلس پرتاب می‌کند!

۳۲. «عمر نوع من هذه الأشجار الطويلة العجيبة قد يصل إلى أكثر من خمسمائة سنة!»:»

- ۱) یک نوع از این درخت‌های بلند، عمرش شگفت‌انگیز است، گاهی به بیش از پانصد سال می‌رسد!
- ۲) یک نوع از این درخت‌های بلند شگفت‌انگیز، عمرشان قطعاً بیش‌تر از پانصد سال است!
- ۳) عمر نوعی از این درختان که بلند و عجیب هستند قطعاً بیش‌تر از پانصد سال است!
- ۴) عمر نوعی از این درختان بلند عجیب گاهی به بیش از پانصد سال می‌رسد!

۳۳. عَيْنِ الصَّحِيح:

- ۱) لن تكون الحياة دون نقص و لكنّها جميلة دائماً: زندگی را هرگز بدون نقص نخواهی یافت ولی همیشه زیباست!
- ۲) ذهبنا إلى غابة و رأينا هناك آيات ربنا الكبرى: به جنگلی رفتیم و در آنجا نشانه‌های پروردگار بزرگمان را دیدیم!
- ۳) طوبى لمن يَحْتب الكذب و إن كان للمزاح: خوشا به حال کسی که از دروغ گفتن دوری می‌کند، اگرچه برای مزاح باشد!
- ۴) إن العين لا تدور في اتجاهين إلا في بعض الحيوانات كالحرباء: چشم بعضی حیوانات مثل حرباء در دو جهت مختلف می‌چرخد!

۳۴. عَيْنِ الخَطَأ:

- ۱) تُعینني المعلمة في الدروس الصعبة إعانَةً: معلم مرا در درس‌های مشکل بدون شک یاری می‌کند!
- ۲) إن العلوم النَّافعة تُبیر عقل الانسان و قلبه: قطعاً علوم سودمند عقل انسان و قلبش را روشن می‌کند!
- ۳) سيملاً للهِ جميع نواحي الأرض سلاماً شاملاً: خداوند همه نواحی زمین را از صلحی فراگیر پر خواهد کرد!
- ۴) ربنا هو الذي يحميننا من شرور الحادثات دائماً: خدای ما کسی است که در پیشامدهای بد همواره نگهدار ماست!

۳۵. «یک ساعت تفکر بهتر از هفتاد سال عبادت است!»، عَيْنِ الصَّحِيح:

- ۱) تفكر ساعةٍ خيرٌ من عبادة سبعين سنة!
- ۲) الساعة في التفكير أفضل من سبعين سنة العبادات!
- ۳) التفكير في الساعة خيرٌ من العبادة من سبعين السنة!
- ۴) ساعة واحدة من التفكرات أفضل من سنة سبعين من العبادات!



○ اقرأ النَّصَّ التَّالِيَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ (٣٦ - ٤٢) بما يناسب النَّصَّ:  
يُعدُّ (يُعتبر) صيدُ الأسماك من أكثر المِهَن التي يشتغل بها الإنسان ليدبر عيشه خاصَّةً في المناطق الساحليَّة أو المناطق المُحاطة بالبَحيرات والأَنْهار، بحيث تُشكِّل لحومُ الأسماك واحدة من أهمِّ مصادرِ الغذاء التي يَستفيد منه الإنسانُ في العالم. كما كانت الأسماك مَصدراً غذائياً مُهمّاً للإنسان في العصور القديمة، وقد وُجدت الكثيرُ من النقوش الحَجريَّة القديمة لعصر الفراعنة التي تدلُّ على صيدهم الأسماك و طريقة قيامهم به تَغذيهم عليها، إضافة إلى هذا لم يجد الإنسانُ صعوبة في الحصول عليها!  
تحوَّلت مهنةُ صيدِ الأسماك إلى رياضةٍ مَحبوبة لدى العديد من النَّاس حيثُ يبلغُ مَنْ يُمارسونها حوالى ملايين من النَّاس. فهناك بعضُ النَّاس حينَ يذهبون إلى المناطق التي تُوجد فيها هذه الإمكانيَّة يشتغلون بالصيْد لكنَّه بوسائط بسيطة؛ وتحوَّلت طُرُقُ الصيْد على مَرِّ الزَّمان وتعدَّدت الطُرُق المُستخدمة في صيدِ الأسماك!

٣٦. عيِّن الصَّحيح: النقوشُ الحَجريَّة القديمة تدلُّ على أنَّ .....

- (١) النَّاس كانوا يَتمنُّون أن يَرفعوا مشكلة جوعهم!
- (٢) صيدِ الأسماك كان مهنةً حديثة لا تتعلَّمها من أجدادنا!
- (٣) مرور الزمان قد سبَّب تحوُّلاً في كَيفيَّة صيدِ الأسماك! (٤) مَصدراً غذائياً وحيداً و مهمّاً من القديم كان لحمِ الأسماك!

٣٧. عيِّن الخطأ: لماذا كان صيدِ الأسماك من أهمِّ المِهَن من قديم الزمان للإنسان؟

- (١) لأنَّ السمك كان ثروةً طبيعيَّة يجدها النَّاسُ في الطبيعة!
- (٢) لأنَّهم كانوا يملؤون ساعات فراغهم بالاشتغال بهذا العمل!
- (٣) لأنَّه كان سهلاً للإنسان أن يحصل عليه ليرفع حوائجه به!
- (٤) لأنَّ صيدِ الأسماك لا يسدُّ جوعه فقط بل يُساعده على إدارة حياته!

٣٨. عيِّن الخطأ: مَضَى الزَّمانُ و علم النَّاسُ .....

- (١) السَّبيلُ المختلفة لصيدِ الأسماك!
- (٢) كَيفيَّة استخدام صيدِ الأسماك كرياضة!
- (٣) كيف يشتغلون بالصيْد بالوسائط البسيطة!
- (٤) أنَّ لحمِ الأسماك هو في كلِّ مكانٍ أفضلُ مَصدرٍ لغذائهم!

٣٩. أذكر ما لم يأت في النَّصِّ:

- (١) الصيَّادون غيَّروا أسلوبَ عَمَلهم على مَرِّ الزمان!
- (٢) هناك طُرُق كثيرة للصيْد يعرفها النَّاس كلَّها من القديم!
- (٣) بعضُ النَّاس يملؤون ساعات فراغهم بالقيام بصيدِ السمك!
- (٤) لم يكن يستفيد النَّاس من الوسائط الثَّقيلة والحديثة للصيْد!

○ عيِّن الصحيح في الإعراب والتَّحليل الصرفي (٤٠ - ٤٢)

٤٠. «يشتغل»:

- (١) مضارع - للغائب - حروفه الأصليَّة ثلاثة، و مصدره «اشتغال» / فعل و فاعله «الإنسان»
- (٢) فعل مضارع - للغائب - له ثلاثة حروف أصليَّة و حرفان زائدان (= مزيد ثلاثي) / فعل و فاعله محذوف
- (٣) مضارع - مادته أو حروفه الأصليَّة «ش، غ، ل»، و مصدره على وزن «انفعال» / فعل و فاعله «الإنسان»
- (٤) فعل مضارع - حروفه الأصليَّة ثلاثة، و له ثلاثة حروف زائدة / فعل و فاعله «الإنسان» و الجملة فعلية

٤١. «تشكَّل»:

- (١) فعل مضارع - للمفرد المؤنَّث الغائب (أى للغائبة) / فعل و فاعله «لحوم» و الجملة فعلية
- (٢) مضارع - للغائبة - ماضيه «تشكَّل» و مصدره «تشكَّل» على وزن تفعَّل / فاعله «لحوم»
- (٣) مضارع - للمخاطب - حروفه الأصليَّة «ش ك ل» و مصدره «تشكيل» على وزن «تفعيل» / مع فاعله جملةً فعلية
- (٤) فعل مضارع - للمؤنَّث - له ثلاثة حروف أصليَّة و حرف واحد زائد (= مزيد ثلاثي) / فاعله «الأسماك» و الجملة فعلية



۴۲. «مصادر»:

- (۱) اسم - جمع مکسر أو تکسیر (مفردة «مصدر» مذکر) / مضاف إليه. و المضاف: «أهم»
- (۲) جمع مکسر - اسم مکان (فعلة «صدر» و مصدره «تصدير») / مضاف، و المضاف إليه: «الغذاء»
- (۳) جمع تکسیر - اسم مکان (على وزن «مفعل» من فعل ثلاثي) / مضاف إليه، و المضاف: «الغذاء»
- (۴) اسم - جمع مکسر (مفردة «مصدر» مذکر) - اسم مفعول (مأخوذ من فعل «صدر») / مضاف إليه و مضاف

○ عین المناسب للجواب عن الأسئلة التالية (۴۳ - ۵۰)

۴۳. عین الخطأ في ضبط حركات الحروف:

- (۱) ثَمرة العلم إخلاص العَمَل!
- (۲) عالِمٌ يُنتَفَع بعلمِهِ خَيْرٌ من ألف عابِد!
- (۳) تُؤدِّي الدَّلَافِين دوراً مُهمّاً في الحربِ و السَّلَم!
- (۴) الشَّجَرَةُ الخائِقةُ شَجَرَةٌ تنمو في بعضِ الغاباتِ الأُسْثوائية!

۴۴. عین الصَّحيح:

- (۱) العُلَماء: هم الذّين يعملون لراحة النّاس!
- (۲) الحَنيف: هو الذّی لا یعبُد إلا الله الواحد!
- (۳) البُحيرة: يدخل ماء الأنهار فيها و هي أكبر من البحر! (۴) يوم الخميس: اليوم السادس من الأسبوع و قبله يوم الجمعة!

۴۵. عین الصَّحيح للفراغ: «نجح سعيدٌ في المسابقة و حصل على الجائزة الذهبية، فهو الفائز .....!»

- (۱) الأحد
- (۲) الأوّل
- (۳) الواحد
- (۴) الأوّلی

۴۶. عین ما فيه اسم التفضيل و اسم المكان معاً:

- (۱) إنَّ بعض المتاجر مفتوح إلى نهاية اللیل!
- (۲) رأيتُ مكتبة في مدينتنا كانت من أكبر مكاتب العالم!
- (۳) تُحِبُّ أن تشتري ما يزيد بثمن أرخص و نوعية أعلى!
- (۴) يجب أن يكون لون جدار المطابخ خاصّة في الأماكن العامّة أبيض!

۴۷. عین ما ليس فيه «نون الوقاية»:

- (۱) يُساعدني كلامٌ صديقي لإصلاح نفسي!
- (۲) أقول لزميلي أعتني في حلّ هذه المسألة!
- (۳) يتمّنّى أخي أن يصل إلى المراحل العالية في العلم!
- (۴) أعانني صديقي في تعلّم دروسي الصّعبة فشكرته كثيراً!

۴۸. عین الصحيح للفراغين:

- ذهبتُ مع أحد عشر زميلاً من زملائي إلى المكتبة في الساعة السابعة صباحاً، رجع مِنّا زميلان اثنان و لكننا بقينا خمس ساعات هناك. عند الرجوع كان عددنا ..... أشخاص و كانت السّاعة .....
- (۱) عشرة / ثاني عشر! (۲) تسعة / ثاني عشر! (۳) عشرة / الثانية عشرة! (۴) تسعة / الثانية عشرة!

۴۹. عین ما فيه الحال:

- (۱) إنَّ شجرة الخبز شجرة عجيبه و تحمل الأثمار في نهاية الأغصان!
- (۲) رأيت شجرة الخبز و هي تحمل أثمارها في نهاية أغصانها!
- (۳) رأيت شجرة الخبز التي تحمل الأثمار في نهاية الأغصان!
- (۴) شجرة الخبز تحمل أثمارها في نهاية أغصانها!



## ۵۰. عین ما لیس فیہ مفهوم الحصر:

- (۱) لا نأخذُ إلى موقف التصليح إلا السبارة المعطلة!  
 (۲) لا يستر الناسُ إلا ما يخافون من عواقب جهره!  
 (۳) يتناول هذا المريضُ أنواع الفواكه إلا التفاح!  
 (۴) لم تكن السلامة إلا بالدهن السليم!

۲۶	(۱)	(۲)	(۳)	(۴)	۳۱	(۱)	(۲)	(۳)	(۴)	۳۶	(۱)	(۲)	(۳)	(۴)	۴۱	(۱)	(۲)	(۳)	(۴)	۴۶	(۱)	(۲)	(۳)	(۴)
۲۷	(۱)	(۲)	(۳)	(۴)	۳۲	(۱)	(۲)	(۳)	(۴)	۳۷	(۱)	(۲)	(۳)	(۴)	۴۲	(۱)	(۲)	(۳)	(۴)	۴۷	(۱)	(۲)	(۳)	(۴)
۲۸	(۱)	(۲)	(۳)	(۴)	۳۳	(۱)	(۲)	(۳)	(۴)	۳۸	(۱)	(۲)	(۳)	(۴)	۴۳	(۱)	(۲)	(۳)	(۴)	۴۸	(۱)	(۲)	(۳)	(۴)
۲۹	(۱)	(۲)	(۳)	(۴)	۳۴	(۱)	(۲)	(۳)	(۴)	۳۹	(۱)	(۲)	(۳)	(۴)	۴۴	(۱)	(۲)	(۳)	(۴)	۴۹	(۱)	(۲)	(۳)	(۴)
۳۰	(۱)	(۲)	(۳)	(۴)	۳۵	(۱)	(۲)	(۳)	(۴)	۴۰	(۱)	(۲)	(۳)	(۴)	۴۵	(۱)	(۲)	(۳)	(۴)	۵۰	(۱)	(۲)	(۳)	(۴)

## رشته تجربی

○ عین الأنسب للجواب عن الترجمة أو المفهوم من أو إلى العربية (۲۶ - ۳۵)

۲۶. «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكَ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ...»: بگو ای اهل کتاب

- (۱) به سمت سخنی یکسان بین ما و خودتان بیاید که، به جز خداوند را نپرستیم...!  
 (۲) به سوی سخنی بیاید که بین ما و شما یکسان بوده است و فقط الله را پرستیم...!  
 (۳) به سوی کلمه‌ای بشتابید که بین شما و ما برابر بوده است و به غیر از الله را نپرستیم...!  
 (۴) به سمت کلمه‌ای یکسان بشتابید که بین ما باشد، و این که فقط خداوند را پرستیم...!

۲۷. «علینا أن نحترم الأديانَ الإلهيةَ و أن نتعایش مع المعتقدين بها تعایشاً سَلِماً!»: «علینا أن نحترم الأديانَ الإلهيةَ و أن نتعایش مع المعتقدين بها تعایشاً سَلِماً!»:

- (۱) بر ما است به دین‌های خدایی احترام گذاریم و با کسانی که به خدا اعتقاد دارند با مسالمت زندگی کنیم!  
 (۲) بر ما است که به ادیان الهی احترام بگذاریم و با معتقدین به آن‌ها زندگی مسالمت‌آمیزی داشته باشیم!  
 (۳) بر ما واجب است که به ادیان خدایی احترام کنیم و با کسانی که معتقد هستند با مسالمت زندگی کنیم!  
 (۴) بر ما لازم است دین‌های الهی را محترم شمرده با معتقدان به آن زندگی سالمی را داشته باشیم!

۲۸. «الفشلُ تحمُّلهُ صعبٌ و لكنَّه يَخْلُقُ لكُ فرصاً ستستفيد منها للنجاح!»: «الفشلُ تحمُّلهُ صعبٌ و لكنَّه يَخْلُقُ لكُ فرصاً ستستفيد منها للنجاح!»:

- (۱) تحمل شکست دشوار است ولی شکست برای تو فرصتی را می‌آفریند که از آن در پیروزی استفاده می‌کنی!  
 (۲) پذیرش شکست سخت است لکن موقعیت‌هایی برای تو خلق می‌شود که از آن برای پیروز شدن استفاده می‌کنی!  
 (۳) شکست خوردن و پذیرش آن دشوار است اما موقعیت‌هایی که برای تو خلق می‌کند، از آن‌ها در پیروزی استفاده خواهد کرد!  
 (۴) شکست تحملش سخت است و لیکن برای تو فرصت‌هایی می‌آفریند که از آن‌ها برای پیروز شدن استفاده خواهی کرد!

۲۹. «کم شخصاً نعرف أنهم يعملون بما يقولون، فيؤثرون علينا تأثيراً عميقاً لأنجد مثله في الآخرين!»: «کم شخصاً نعرف أنهم يعملون بما يقولون، فيؤثرون علينا تأثيراً عميقاً لأنجد مثله في الآخرين!»:

- (۱) چند شخص را می‌شناسیم که می‌گویند چیزی را که بدان عمل می‌کنند، پس بر ما تأثیر عمیقی می‌گذارند که همانند آن را در دیگران نمی‌یافتیم!  
 (۲) چند شخص را شناخته‌ایم که به چیزی که می‌گویند عمل می‌کنند، و بر ما آنچنان تأثیری دارند که در دیگران مثل آن را نیافته‌ایم!  
 (۳) چند نفر را می‌شناسیم که آن‌ها چیزی می‌گویند که عمل می‌کنند، و بر ما آنچنان اثری دارند که در افراد دیگر همانندش را نمی‌یابیم!  
 (۴) چند نفر را می‌شناسیم که به آنچه می‌گویند عمل می‌کنند، پس بر ما تأثیر عمیقی می‌گذارند که در دیگران مثل آن را نمی‌یابیم!



## پاسخ نامه تشریحی: سوالات کنکور سراسری ۹۹

### ریاضی ۹۹

۲۶. «من ذکر و أنثی (نکره)»: از یک نر و یک ماده، از یک مرد و یک زن (۳ و ۲) / «جعلناکم شعوباً و قبائل»: شما را ملت‌ها و قبایل (قبیله‌ها، عشیره‌ها) قرار دادیم (رد سایر گزینه‌ها) / «لِتَعَارَفُوا»: تا با یکدیگر آشنایی یابید، تا یکدیگر را بشناسید (رد ۲ و ۴؛ «شاید» در گزینه ۴ اضافی است).

۲۷. «مَنْ أَرَادَ»: هرکس بخواهد (رد سایر گزینه‌ها؛ «مَنْ» ادات شرط و «أَرَادَ» فعل شرط است که به صورت «مضارع التزامی» ترجمه می‌شود.) / «أَنْ يَنْجَحَ (مضارع التزامی)»: موفق بشود (شود)، پیروز گردد (رد ۳) / «فَلِيَجْعَلَ (امر)»: باید قرار دهد (رد ۱ و ۳) / «صَدِيقَهُ الْحَمِيمِ»: دوست صمیمی‌اش، دوست صمیمی خویش (رد ۱ و ۲) / «مُسْتَشَارَهُ الْحَكِيمِ»: مشاور دانايش، مشاور خردمند خویش (رد ۱ و ۲)

۲۸. «ثُمَّ»: سپس (رد سایر گزینه‌ها) / «كُنَّا مَخْطُئِينَ»: خطا کرده بودیم، خطاکار بودیم (رد ۳ و ۴) / «خودمان» در ۱ و «حتماً» در ۴ اضافی هستند. / «مُتَّعِفِينَ (حال)»: اعتراف کرده، ضمن اعتراف، در حالی که... اعتراف کننده (رد ۳) / «منه: از او» و «بذلك: از آن» در ۳ و ۱ ترجمه نشده‌اند. / «دَلِيلٌ (نکره)»: دلیلی (رد ۱) / «می‌باشد» در ۳ و «خواهد بود» در ۴ معادلی در عبارت عربی ندارند.

۲۹. «الْهَمْسُ الَّذِي»: پیچ کردنی که، آهسته سخن گفتنی که، در گوشی سخن گفتنی که (رد ۳ و ۲) / «التَّعْلَمُ»: آموختن، یادگیری (رد ۱ و ۲) / «فِي الصَّفِّ»: در کلاس (در ۳ و ۲ در جای مناسب خود ترجمه نشده‌اند و باید بعد از ترجمه «التَّعْلَمُ» بیابند.) / «يَضْرُكُ ضَرْكاً»: به تو ضرری می‌رساند که، به تو ضرر می‌رساند به گونه‌ای که («کاملاً» و «قطعاً» در ۱ و ۲ نادرست هستند، زیرا «ضراً» چون پس از آن جمله وصفیه «لَا تَنْتَبِهَ» آمده است، مفعول مطلق نوعی است نه تأکیدی.)

۳۰. «كَمَجْمُوعَةٍ»: همچون (چون) مجموعه‌ای (رد سایر گزینه‌ها؛ «که» در ۱ و ۲ اضافی است، و «چون» در ۴ در جای مناسب خود ترجمه نشده است.) / «الدَّرَجُ (جمع)»: مرواریدها (رد ۱ و ۴) / «بین مئات آلاف»: در میان صدها هزار (رد ۱ و ۲) / «پهنه» در ۲ و ۴ اضافی است. / «تُسَمَّى (مضارع مجهول)»: نامیده می‌شود (رد ۱ و ۲)

۳۱. «قُوَّةُ هَذَا الإِعْصَارِ»: قدرت این گردباد، نیروی این طوفان (رد ۲ و ۴) / «تَسْحَبُ (مضارع اخباری)»: می‌کشاند (رد سایر گزینه‌ها؛ در ۲ و ۴ اشتباه ترجمه شده است و در ۳ به صورت «ماضی استمراری» ترجمه شده است.) / «مکان بعید (نکره)»: مکانی دور، مکانی دور دست (رد ۳ و ۲) / «عَلَى بُعْدٍ»: در فاصله (در ۲ و ۳ ترجمه نشده است.) / «مَائَتِي كِيلُومِتْرٍ (نکره)»: دویست کیلومتری (رد ۳ و ۲) / «دورتر» و «آن طرفتر» در ۳ اضافی هستند.

۳۲. «عُمُرُ نَوْعٍ (نکره)»: عمر نوعی (رد ۱ و ۲) / «مِن هَذِهِ الأشْجَار الطَّوِيلَةِ العَجِيبَةِ»: از این درختان بلند عجیب، از این درخت‌های بلند شگفت‌انگیز (رد ۱ و ۳) / «قَدْ يَصِلُ»: گاهی می‌رسد (رد ۲ و ۳)

۳۳. بررسی گزینه‌های نادرست:

۱) «تَكُونُ» فعل مضارع صیغه «هی» است نه «أَنْتَ» و «الحياة» فاعل آن است نه مفعول. ترجمه صحیح: «زندگی هرگز بدون نقص نخواهد بود ولی همیشه زیبا است.»

۲) «الکبری (مفرد مؤنث)» در ترکیب «آیات رَبِّنَا الکبری» صفت برای «آیات» است نه «رَبِّ». ترجمه صحیح: «... و در آنجا نشانه‌های بزرگتر پروردگاران را دیدیم.»

۴) «لَا تَدُورُ... إِلَّا» اسلوب حصر است که می‌تواند به صورت مثبت و مؤکد ترجمه شود. هم‌چنین «مختلف» در ترجمه فارسی اضافی است و معادلی در عبارت عربی ندارد و «الحرباء» نیز به معنی «آفتاب‌پرست» است. ترجمه صحیح: «چشم فقط در برخی حیوانات مثل آفتاب‌پرست در دو جهت می‌چرخد.»





۳۴. ﴿۳۴﴾ در (۴) ضمیر «هو» ترجمه نشده است، هم‌چنین «یَحْمِي» فعل مضارع است که صحیح ترجمه نشده است. «من شُرور الحادّثات» نیز صحیح ترجمه نشده است.

ترجمه صحیح: «پروردگار ما همان کسی است که همیشه ما را از بدی‌های حادثه‌ها حفظ می‌کند.»

۳۵. ﴿۳۵﴾ «یک ساعت تفکر»: تفکر ساعة (رد سایر گزینه‌ها؛ «یک ساعت» نکره و «تفکر» مفرد است.) / «هفتاد سال»: سبعین سنة (رد ۳ و ۴) / «عبادت (مفرد)»: عبادَة (رد ۲ و ۴) / «من: از» در (۳) و (۴) که قبل و بعد «سبعین» آمده است، اضافی است. ترجمه متن درک مطلب:

«ماهگیری از بیشترین شغل‌هایی به شمار می‌رود که انسان به آن مشغول است، تا زندگی خود را به‌ویژه در مناطق ساحلی یا مناطق احاطه شده با دریاچه‌ها و رودخانه‌ها اداره کند (بچرخاند)، به‌طوری که گوشت‌های ماهیان یکی از مهم‌ترین منابع غذا را تشکیل می‌دهند که انسان در جهان از آن استفاده می‌کند.

هم‌چنین ماهیان منبع غذایی مهمی برای انسان در زمان‌های قدیم بوده‌اند و بسیاری از کنده‌کاری‌های سنگی قدیمی مربوط به دوره فرعونیان یافت شده است که بر صید ماهیان و روش ماهگیری آنها و تغذیه‌شان از آنها دلالت می‌کند. علاوه بر این انسان در دستیابی به آن سختی‌ای نیافت (ندید). شغل ماهگیری به ورزشی دوست‌داشتنی نزد بسیاری از مردم تبدیل شده است تا جایی که تعداد کسانی که آن را انجام می‌دهند، به میلیون‌ها نفر می‌رسد. برخی از مردم هستند زمانی که به مناطقی می‌روند که این فرصت و امکان وجود دارد مشغول صید می‌شوند ولی با وسایلی ساده، و روش‌های صید به مرور زمان متحوّل شد و روش‌های به کار برده شده در ماهگیری زیاد شد.»

۳۶. ﴿۳۶﴾ [گزینه] درست را مشخص کن: نقش‌های سنگی قدیمی بر این دلالت دارد که...

(۱) مردم آرزو می‌کردند که مشکل گرسنگی خود را برطرف کنند!

(۲) صید ماهیان یک شغل جدیدی بود که ما آن را از اجدادمان نمی‌آموختیم!

(۳) گذشت زمان باعث تحوّل در کیفیت صید ماهیان شده است!

(۴) تنها منبع غذای مهم از قدیم گوشت ماهیان بوده است!

۳۷. ﴿۳۷﴾ [گزینه] نادرست را مشخص کن: چرا از زمان قدیم صید ماهیان از مهم‌ترین شغل‌ها برای انسان بوده است؟

(۱) زیرا ماهی ثروتی طبیعی بود که مردم آن را در طبیعت می‌یافتند!

(۲) زیرا آنها اوقات فراغتشان را با مشغول شدن به این کار پر می‌کردند!

(۳) زیرا برای انسان آسان بود که به آن دست یابد تا به وسیله آن نیازهایش را برطرف کند!

(۴) زیرا صید ماهیان تنها جلوی گرسنگی‌اش را نمی‌گرفت، بلکه به او در اداره زندگی‌اش نیز کمک می‌کرد!

۳۸. ﴿۳۸﴾ [گزینه] نادرست را مشخص کن: زمان گذشت و مردم فهمیدند...

(۱) راه‌های مختلف را برای صید ماهیان!

(۲) چگونگی به کار بردن ماهگیری را به عنوان یک ورزش!

(۳) چگونه با وسایل ساده به صید مشغول شوند!

(۴) که گوشت ماهیان در هر جایی بهترین منبع برای غذایشان است!

۳۹. ﴿۳۹﴾ آنچه را در متن نیامده است، ذکر کن:

(۱) صیادان روش کارشان را به مرور زمان تغییر دادند!

(۲) راه‌های بسیاری برای شکار وجود دارد که مردم همه آنها را از قدیم می‌دانستند!

(۳) برخی از مردم اوقات فراغت خود را با اقدام به ماهگیری پر می‌کنند!

(۴) مردم از وسایل سنگین و جدید برای صید استفاده نمی‌کردند!

۴۰. ﴿۴۰﴾ خطاهای سایر گزینه‌ها:

(۲) فاعله محذوف ← فاعله «الإنسان» [«يَسْتَعْلِفُ» فعل مضارع معلوم است و فاعل آن «الإنسان» می‌باشد.]

(۳) إنفعال ← إفتعال [«يَسْتَعْلِفُ» فعل مضارع از باب «إفتعال» است: اِسْتَعْلَفَ يَسْتَعْلِفُ اِسْتَعْلَافًا]

(۴) له ثلاثة حروف زائدة ← له حرفان زائدان [باب «اقتعال» دارای دو حرف زائد است.]



۴۱. خطاهای سایر گزینه‌ها:

(۲) ماضیه «تَشَكَّلٌ» ← ماضیه «شَكَّلٌ» / مصدره «تَشَكَّلٌ» ← مصدره «تَشَكَّلٌ» / «علی وزن «تَفَعَّلٌ» ← علی وزن «تَفَعَّلٌ» «تَشَكَّلٌ» فعل مضارع از باب «تفعیل» است. [

(۳) للمخاطب ← للغائبة [«تَشَكَّلٌ» صیغه للغائبة (مفرد مؤنث غایب: هی) است. [

(۴) فاعله «الأسماك» ← فاعله «لِحَوْمٍ» [«الأسماك» مضاف الیه است. [

۴۲. خطاهای سایر گزینه‌ها:

(۲) مصدره «تصدیر» ← مصدره «صدر» [اسم مکان از فعل ثلاثی مجزء ساخته می‌شود، لذا «تصدیر» که مصدر باب «تفعیل» است، نادرست می‌باشد. [

(۳) المضاف: «الغذاء» ← المضاف‌إلیه: «الغذاء» [«مصادر الغذاء» ترکیب اضافی است که «مصادر» مضاف و «الغذاء» مضاف الیه آن است. [

(۴) اسم مفعول ← اسم مکان [«مصادر» جمع مکسر «مَصْدَرٌ» است و اسم مکان می‌باشد. [

۴۳. - الخائفة ← الخائفة [«الخائفة» اسم فاعل از فعل ثلاثی مجزء است. [

- الأستوائية ← الإستوائية [«استواء» مصدر باب «افتعال» است. [

۴۴. ترجمه گزینه‌ها:

(۱) مزدوران: همان کسانی هستند که برای آسایش مردم کار می‌کنند! [توضیح داده شده با کلمه «العمال: کارگران» تناسب دارد. [

(۲) یکتاپرست: او کسی است که تنها خدای یگانه را می‌پرستد!

(۳) دریاچه: آب رودها در آن وارد می‌شود و آن بزرگ‌تر از دریا است! [توضیح داده مربوط به کلمه «المحیط: اقیانوس» است. [

(۴) پنج‌شنبه: روز ششم از هفته و قبل از آن روز جمعه است! [قبل از روز پنج‌شنبه «الأربعاء: چهارشنبه» است. [

۴۵. معنی عبارت: «سعید در مسابقه برنده شد و به جایزه طلایی دست یافت، پس او برنده ..... است.» برای جای خالی عدد ترتیبی نیاز است که نقش «صفت» را نیز داشته باشد و با توجه به مذکر بودن «الفائز» که موصوف است، «الأول» صحیح می‌باشد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) «الأحد» به معنی «یکشنبه» است و مناسب جای خالی نیست.

(۲) «الواحد» به معنی «یک» است و عدد اصلی می‌باشد.

(۴) «الأولی» به معنی «نخست» است و عدد ترتیبی می‌باشد، اما چون مؤنث است برای «الفائز» مناسب نیست.

۴۶. در گزینه (۲) «أكبر (جمع مکسر «أكبر»)» اسم تفضیل است و «مکتبة» و «مکاتب (جمع مکسر «مکتبة»)» نیز اسم مکان هستند. [«مدینة (شهر)» اسم مکان نیست. [

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) «المتاجر» جمع مکسر «المتجر (مغازه، فروشگاه)» اسم مکان است، اما اسم تفضیل در این عبارت نیامده است. [«مفتوح» اسم مفعول است. [

(۳) «أرخص (ارزان‌تر)» و «أعلى (برتر)» هر دو اسم تفضیل هستند، اما اسم مکان در این عبارت نیامده است.

(۴) «المطابخ (جمع مکسر «المطبخ»)» اسم مکان است، اما اسم تفضیل در این عبارت نیامده است. [«أبيض (سفید)» اسم تفضیل نیست. [

۴۷. فعل «يتمى» در (۳) فعل مضارع از ریشه «مَنَى» است و «ن» جزء حروف اصلی (ریشه) آن می‌باشد. [«يتمى» از باب «تَفَعَّلٌ» است. [

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) يُسَاعِدُنِي: يُسَاعِدُ + ن (وقایه) + ضمیر «ي» (۲) أَعْنِي: أَعْنُ + ن (وقایه) + ضمیر «ي» (۴) أَعَانَنِي: أَعَانَ + ن (وقایه) + ضمیر «ي»



۴۸. ترجمه عبارت: «در ساعت هفت صبح به همراه یازده همکلاسی از همکلاسی‌هایم به کتابخانه رفتیم، دو همکلاسی‌مان برگشتند ولی ما پنج ساعت آنجا ماندیم. هنگام برگشت تعداد ما ... نفر بود و ساعت ... بود.» برای جای خالی اول با یک جمع و تفریق ساده، به راحتی می‌توان به پاسخ دست یافت: من + ۱۱ نفر به کتابخانه رفتیم؛ یعنی ۱۲ نفر به کتابخانه رفتیم، بعد ۲ نفر از ما برگشتند که می‌ماند: ۱۰ نفر (رد ۴ و ۲)، بعد ساعت ۷ رفتیم و بعد پنج ساعت برگشتیم؛ یعنی بازگشت ما می‌شود: ساعت ۱۲ (رد ۱ و ۲)

برای جای خالی دوم، با توجه به اینکه «الساعة» مؤنث است، کلمه مؤنث «الثانية عشرة» مناسب است.

۴۹. در (۲) «و هي تحمّل» جمله حالیه اسمیه است و حالت «شجرة الخبز» را بیان کرده است. [واو حالیه / هي: مبتدا / تحمّل: خبر]

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) «و» در «و تحمل» حرف عطف است و نمی‌تواند واو حالیه باشد. [هیچگاه «و» + فعل مضارع نمی‌تواند «جمله حالیه» باشد.] (۳) فعل‌های پس از «الذی، الّتی، الذین...» هیچ نقشی ندارند؛ پس فعل «تحمل» چون پس از «الّتی» آمده است، نمی‌تواند حال باشد.

(۴) فعل «تحمل» پس از اسم نکره «شجرة» آمده است و آن را توصیف کرده است، بنابراین «جمله وصفیه» است نه حال. ۵۰. در (۳) با توجه به مثبت بودن جمله قبل از «إلا» به سادگی می‌توان فهمید که «اسلوب حصر» نیست و «اسلوب استثناء» است. [«التّفاح» مستثنی و «أنواع الفواكه» مستثنی منه است.] در سایر گزینه‌ها «السّيّارة»، «ما» و «بالذّهن» مستثنی هستند و «مستثنی منه» هیچ کدام از آنها در جمله قبل از «إلا» نیامده است و همگی «اسلوب حصر» هستند.

### تجربی ۹۹

۲۶. «كلمة سواء (نكرة):» سخنی (کلمه‌ای) یکسان (رد ۲ و ۳) / «تعالوا (فامر):» بیائید (رد ۳ و ۴) / «بیننا و بینکم»: بین ما و خودتان، بین ما و شما (رد ۳ و ۴) / «ألا نعبد إلا...»: که جز... نپرستیم، که فقط... پرستیم (رد سایر گزینه‌ها؛ حرف «و» در ۲ و ۳ و «و اینکه» در ۴ نادرست هستند.) / «که... بوده است» در ۲ و ۳ و «که... باشد» در ۴ نیز نادرست هستند. / حرف «از» در ۳ در عبارت «از الله» اضافی است.

۲۷. «أن نحترم»: که احترام بگذاریم (رد ۴) / «الأديان الإلهية»: دین‌های الهی (رد ۱ و ۳) / «أن نتعایش... تعایشاً سلمياً»: با... زندگی مسالمت‌آمیزی داشته باشیم، با... با مسالمت زندگی کنیم (رد ۴) / «مع المعتقدين»: با معتقدان (رد ۱ و ۳) / «بها»: به آنها (رد سایر گزینه‌ها)

۲۸. «الفشل تحمّله صعب»: شکست تحمّلش سخت است (رد سایر گزینه‌ها) / «يخلق»: خلق می‌کند، می‌آفریند (رد ۲) / «فُرصاً (جمع و نكرة):» فرصت‌هایی، موقعیت‌هایی (رد ۱) / «ستستفيد (مستقبل):» استفاده خواهی کرد (رد ۱ و ۲) / «منها»: از آنها (رد ۱ و ۲) / «للنّجاح»: برای پیروزی، برای پیروز شدن (رد ۱ و ۳) / «در» نادرست است. / «پذیرش» در ۱ و ۲ اضافی است.

۲۹. «نعرف»: می‌شناسیم (رد ۲) / «يعملون بما يقولون»: به آنچه (به چیزی که) می‌گویند عمل می‌کنند (رد ۱ و ۳) / «لا نجدّه (مضارع اخباری):» آن را نمی‌یابیم (رد ۱ و ۲) / «في الآخرين»: در دیگران (رد ۳) / «تأثيراً عميقاً»: تأثیر عمیقی (رد ۲ و ۳)

۳۰. «من الكتب»: از کتاب‌ها (رد ۴) / «ما»: آنچه (رد سایر گزینه‌ها؛ «هرچه» و «هر آنچه» در ۱ و ۲ نادرست است. در ۴ نیز ترجمه نشده است.) / «فكرّ قادر (نكرة):» فکری قادر (رد سایر گزینه‌ها) / «على تمييز المسائل»: بر تشخیص مسائل (رد سایر گزینه‌ها)

۳۱. «قد قام ب...»: به... اقدام کرده (نموده) است (رد ۲) / «يجتهد... اجتهاداً (مفعول مطلق تأکیدی):» بدون شک... تلاش می‌کند (رد سایر گزینه‌ها) / «فرحين (حال):» با خوشحالی (رد ۱ و ۲) / «سنة أيام من الأسبوع»: شش روز از هفته (رد ۲ و ۴)